

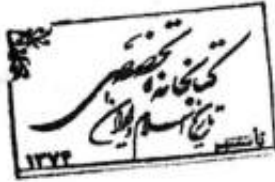
ساواک

و

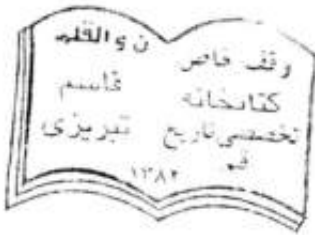
کارگران

ترجمہ م . الف

قیمت ۷۰ ریال



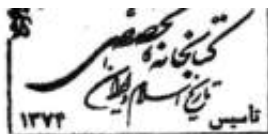
ساواک



کارگران

ترجمہ ام - الف





مقدمه

" بیشتر کارگران از قوانین کار جز آن که آنان را بحال خود و ارها ندر چیزی نمی خواهند قوانین و مقرراتی که بطور یکطرفه وضع شده و علیه کارگران قویا " اعمال میشود گویای تنفر تاریخی و سنتی کارگران از قوانین ، قانونگذاران و دادگاههاست .

قانون در این کشور (انگلیس) و ایران به کارگران و کارفرمایان به یک چشم نمی نگرد و قوانین غیر عادلانه چه بر کارگران و چه بر کارفرمایان حاکم می باشد . چرا ؟ زیرا که کارگرو کارفرما هر یک دارای قدرتی نامتساوی و نابرابری باشند .

" بجز در زمینه های صدور صد تخصصی و تکنیکی ، هیچگونه برابری یا تعادل احتمالی بین کارگر و کارفرما وجود ندارد . قدرت متمرکز در سرمایه به تنهایی میتواند با قدرت متمرکز کارگران که در یک سازمان وحدت یافته برابری نماید . "

شرط لازمه و اولیه برای وضع قوانین عادلانه بین کارگرو کارفرما وجود روابط سیاسی اقتصادی است که در حال حاضر در دو کشور انگلستان و ایران وجود ندارد . منظور از این روابط سیاسی ، اقتصادی همان نظام سوسیالیزم می باشد . این نابرابری در همه قوانین اعم از کارگری ، مدنی و جنایی مشاهده میشود .

حال که بوجه تشابه قوانین کارگری در ایران و انگلستان اشاره شد لازم است وجوه تفارق عظیم بین این دو قانون نیز مورد ملاحظه قرار گیرد .

تفاوت و تفارق اصلی در این جاست که جنبش کارگری انگلستان برای دفاع از قوانین کارگری خود می جنگد و این جنگ گاه بصورت مجبور ساختن دولت به تصویب

لواحی است که بموجب آن کارفرمایان می بایست بیشتر جانب کارگران را داشته باشند ، نظیر هشت ساعت کار در روز یا مجبور ساختن دولت به لغو قوانین و مقرراتی که حقوق اصلی کارگران را نقض می کند نظیر قوانین کامبینیشن (۱) یا قانون ۱۹۲۱ روابط صنعتی توری . در هر دو حالت کارگران تلاش می کنند به نحوی دولت یا کارفرمایان یا هر دو را مجبور سازند تا آنان را بخود وارهاند و برای آنان پدیری نکنند .

قوانین کارگری که امروزه در انگلستان مرعی بوده و اعمال میشود نتیجه تلاش ها و جدال های جنبش کارگری انگلستان است .
در ایران قوانین کار نتیجه و محصول جنبش های گذشته کارگران است ، از جمله جدال ها و تلاش های کارگران چاپخانه ها و قالی بافان ، اما جنبش های بعدی شدیداً " و به نحوی وحشیانه توسط پدرشاه منکوب گردید . در فاصله سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۳ (یعنی سقوط رژیم رضاخان و کودتای سیا برای بازگرداندن شاه) جنبش کارگری از آزادی محدودی برای ایجاد تشکیلات برخوردار گردید . از سال ۱۹۵۳ جنبش های کارگری را به بخش های گوناگون تقسیم کرد و بتدریج آنها را نابود ساخت . قانون کار فعلی در ایران موهبتی است که از سوی شاه شاهان به کارگران بیسواد و جاهل ایرانی اهداء شده است . شاه مدعی است که تکیه گاه و عامل اصلی وضامن

۱ - کامبینیشن نتیجه وحدت یا ائتلاف چندین سازمان یا شرکت است که دارای

یک هدف سیاسی یا اقتصادی می باشد .

اجرای تحقق یافتن و عملی شدن قانون فعلی بوده است . این حقیقتی است که در فرمان شاه برای صدور این قانون از سوی منافع سرمایه داران و شرکتهای چند ملیتی بزرگ و سودهای کلانی برای سرمایه داران داخلی در نظر گرفته شده است تا هر ریز متورم تر و بزرگتر شوند و از سوی دیگر ، این قانون خطر بالقوه جنبشهای کارگری را که تاج و تخت لرزان شاه را تهدید می کردند کاهش می بخشد . نکته سوم آن که در سال ۱۹۶۱ رژیم متعصبانه کرده کرد که امکان آن وجود دارد که یک قشر بورژوازی آزادیخواه کوشش نماید رژیم را ساقط کرده و قدرت را در دست گیرد (تظاهراتی که در سال ۱۹۶۱ روی داد و تجار و بازرگانان در این تظاهرات شرکت کرده و شعارهای آزادیخواهی میدادند) شاه فوراً "احساس خطر کرده و این زمزمه های آزادیخواهی را خطری برای موقعیت خویش دانست اما شاه نتوانست از طریق قانون کار عقاید مخالفین آزادیخواه را در جهت دلخواه خود بازگرداند . شاه برای جبران و پوشاندن و نیز گمراه ساختن قشرهای آزادیخواه از عوامل تبلیغات بهره جست و تاریخ نویسان و روزنامه نویسان مزدور را اجیر کرد تا شاه را فردی بزرگوار و بخشنده تصویر نمایند . در بعضی موارد شاه قوانینی وضع می کند که صرفاً " بر روی کاغذ چهاره ای آزادیخواهانه و ترقی جویانه داشته ولی این قوانین فقط بر روی کاغذ موجود است دارد و هیچگاه قدرت اجرایی نمی یابد شاه همچنین وانمود می کند که به عقاید دیگران علاقه مند است و حتی باستناد همان قوانین که فاقد هرگونه زمینه اجرایی است میکوشد نظر مخالفین غربی را به سوی خود فراخواند . برای نمونه وقتی

نمایندگانی از سوی شورای اتحادیه های کارگری انگلستان به سفارت ایران در انگلستان مراجعه کرده وبخاطر نبودن امکانات برای تشکیل اتحادیه های کارگری در ایران به مقامات سفارت اعتراض کردند ، از این نمایندگان سؤال شد آیا در میان آنان فرد ذیصلاحی وجود دارد که با قوانین کارآشنایی داشته باشد ، اگر چنین فردی وجود دارد بهتر است دقیقاً " قوانین کار در ایران را مورد مطالعه وتفسیر قرار دهد و از مواد ترقیخواهانه این قوانین آگاهی می یابد . این نمونه نشان میدهد که تاجه میزان شاه وایادی وی در خارج چهره ای آزادخواهانه به خود گرفته اند . از آنجا که هیچ جنبش کارگری در ایران وجود ندارد ، حتی از همین قوانین ناعادلانه که تا حدود اندکی به نفع کارگران می باشد بهره گرفته نمیشود . برای وضع قوانین عادلانه واجرای آن ضرورت خلق شرایط اجتماعی ، اقتصادی ونظامی است که بتواند ضمانت اجرایی برای قوانین فراهم آورد . بهیچ روی جای اعجاب ندارد اگر در آینده رژیم شاه آزادانه ترین وترقیخواه ترین قوانین را برای کارگران در نظر گیرد . وقتی قانون موهبتی است که از سوی شاه به ملت هدیه میشود ، وقوع همه چیز ممکن است . ولی همه این قوانین یک دینار نیز ارزش ندارد ، کارگران ایرانی می کوشند تا قدرت سیاسی ، اقتصادی رژیم راسرنگون ساخته وسازمانه های دموکراتیکی که متعلق به خودشان باشد تاسیس نمایند .

در صفحات بعدی کتاب هدف آن نیست که قانون کار در ایران بررسی ومطالعه شود ، بلکه نظرگاه اصلی این کتاب بر روی روش های اختناقی است که بر روی کارگران

پیاده می‌شده تا آنان را از بدست آوردن حقوق حقه خویش باز داشته و نیز در مقاله ای به اعتصابات کارگری پرداخته شده است .

"کوشش برای کنترل جنبش‌های کارگری"

الف - ساواک

شاه ایران در مصاحبه ای با روزنامه کریسچن ساینس مانیتور اظهار داشت: "در ایران یک دقیقه اعتصاب کارگری وجود ندارد و اضافه کردن مشکلات اقتصادی غرب ناشی از فقدان انضباط و عدم مدیریت صحیح است." آیا حقیقت دارد که چنین نظام غریب صلح آمیزی بر بخش کارگری و صنایع ایران حاکم است؟

اگر جواب مثبت است شاه چگونه به یک چنین نظام غریبی دست یافته است؟ اول این که چنین امری حقیقت ندارد.

"... اعتصابات (که غیرقانونی هستند) از سه ماه پیش آغاز شده است و دولت می‌کوشد تا موفقانه از طریق سیاست افزایش دستمزدها این اعتصابات را خاتمه بخشد." (۱)

و کارگران برای بالا بردن میزان دستمزدها تلاش میکنند و از اعتصاب به عنوان یک سلاح قدرتمند بهره می‌جویند. در مقوله بعدی این کتاب به مسئله اعتصاب پرداخته خواهد شد. اما این حقیقتی است که شاه در قبال کارگرانی که دست به اعتصاب

۱ - کیهان در ۵ مارس ۱۹۷۷ مقاله ای را درج کرد که ظاهراً "پاسخی به اظهاریه (C R T U R I) سازمان کوشش برای احقاق حق اتحادیه‌های کارگری در ایران بود این اظهاریه در ۵ مارس ۱۹۷۶ نوشته شده بود و طی آن اعتراض شده بود که چرا کارگران اعتصابی به مسلسل بسته شده اند.

میزنند بسیار سخت گبروخن است . یکی از ابزارهایی که شاه برای سرکوب کردن اعتصابات بکار می گیرد ، ساواک ، پلیس مخفی شاه است .

ساواک چیست ؟

ساواک سازمان اطلاعات و امنیت کشور است که در سال ۱۹۵۷ تاسیس شد و امروزه توسط ژنرال نصیری (همکلاس شاه در دانشکده افسری) اداره میشود . عنوان رسمی ریاست ساواک معاون نخست وزیر می باشد . عملاً " ریاست ساواک توسط شاه برگزیده شده و او تنها در مقابل شخص شاه مسئول و پاسخگوست . این بدان معنی است که رئیس ساواک هیچگونه محدودیتی نداشته و هرگونه شیوه ای را که بدان تمایل داشته باشد با رضایت شاه میتواند اعمال نماید .

ساواک مدعی است که هدف از فعالیتهای این سازمان تامین امنیت کشور و جلوگیری از انعقاد هر توطئه ای که منافع عمومی را بخطر اندازد می باشد .

ساواک دارای بودجه رسمی است که علنی می باشد ولی بودجه محرمانه ساواک بطور محافظه کارانه رقم یک میلیارد پوند معادل ۱۴۰ میلیارد ریال تخمین زده میشود . راز دیگری که در مورد ساواک وجود دارد درباره تعداد کارکنان و اعضای این سازمان اعم از عوامل اجرایی و کارکنان اداری است ولی در این مورد نیز تخمین زده میشود که تعداد اعضای این سازمان ۶۰۰۰۰ نفر یا بیشتر می باشد . البته این رقم شامل خبررسانان و جاسوسانی که در کشورهای و سازمانهای مختلف مشغول بکار می باشند ، نمیشود .

تیمسار بختیار ، رئیس سابق ساواک درباره هسته مرکزی عملیات ساواک گفته بود :
" طبیعی است که ساواک همکاری نزدیکی با سازمانهای جاسوسی کشورهای دوست
داراست . ریسنتری ، یکی از خبرنگاران بی بی سی با شاه مصاحبه ای داشته و
پرسش هایی بشرح زیرازوی بعمل آورده است :

س - شما اظهار داشته اید که ساواک کوشش خود را معطوف به اقدامات
ایرانیان چه در کشور و چه در خارج از کشور کرده است و در ایالات متحده
آمریکان نیز فعالیت دارد ، آیا ساواک در انگلیس نیز به فعالیت مشغول است ؟
ج - آری در چارچوب قانون در کشور شما نیز فعالیت دارد . چنانچه میدانیم
اعضای پلیس مخفی کشور شما اینتلیجنس سرویس نیز در ایران اقداماتی
اعمال میدارند .

س - ماموران ساواک در کشور ما چه می کنند ؟

ج - کارهایی برای انجام آن دارند .

س - آیا فعالیت ماموران ساواک در انگلستان در چارچوب همکاری مشترک با

پلیس مخفی انگلیس است ؟

ج - بدینصورت که میگویند نیست اما اطلاعات بین ما و پلیس مخفی شما
ردوبدل میشود .

س - آیا شما تبادل اطلاعات جاسوسی با یکدیگر دارید ؟

ج - آری ، اما در سطح فوق العاده عالی .

عوامل ساواک زیرپوشش عناوین دیپلماتیک و کار در سفارتخانه های ایران در خارج در سراسر جهان فعالیت می کنند .

ساواک در بسیاری از جنبه ها از جمله خشونت و بیرحمی و وحشیگری ، مشابه پلیس مخفی شیلی (دینا) و پلیس مخفی آفریقای جنوبی (بوس) است . ساواک همانند این دو سازمان مخوف دیگر و نیز همانند سیا خالق آنها از جدیدترین روش روانی و جسمی استفاده می کند . همانند آنان در سطح جهانی فعالیت مینماید و مخالفین خود را بزیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار میدهد . این سازمانها از نظر خشونت و وحشیگری گوی سبقت را از گشتاپو ، پلیس امنیتی هیتلر ربوده اند . میتوانیم در سطح جهانی پلیس مخفی های دیگری را نام ببریم که دارای مشایعت^{بی}ها با سه سازمان یاد شده می باشند ولی بلحاظ شیوه پیدایش آنها ، این سه سازمان دارای ویژگی مشترکی می باشند .

برای شناخت آگاهانه تر ساواک ، بررسی تحلیلی روحیه سرمایه داری شاه ضروری می باشد ، که در چارچوب این بررسی زمینه های بین المللی سرمایه داری و تکنیک های اعصار پیش از سرمایه داری و روابط تولیدی نمایان می گردد .

همانند رژیم شیلی ، رژیم شاه بیاری و نیروی سرمایه داری بین المللی و نظارت سازمان سیاه قدرت رسید . در حال حاضر اقتصاد ایران نظیر اقتصاد آفریقای جنوبی تحت نظارت شرکت های چند ملیتی است که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی ایران را در اختیار دارد . آن میزان از ناخالص ملی که توسط شرکتهای

چند ملیتی تولید میشود (حدود ۴۷ میلیارد دلار در فاصله مارس ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶ بوده است و کمترینی از درآمد ناخالص ملی قریب ۲۳ میلیارد دلار آن توسط کارتل های بزرگ نفتی نظیرشل و استاندارداویل تولید شده است .)

اما برخلاف رهبران سایر کشورهای یاد شده ، شاه ایران شخصا " یکی از ثروتمندترین افراد جهان بوده و در شرکت های مختلف بزرگ سرمایه گذاری کرده است . شاه سالانه میلیونها پوند از دارایی خود را به دانشگاههای غربی هدیده کرده و با سه سازمان ملل اعطا می کند تا از این طریق عوام فریبی کرده و نظر مثبت سازمانهای علمی و بین المللی را نسبت به خود معطوف ساخته و برجانیاتی که علیه ملت زحمتکش ایران اعمال میدارد سرپوش گذاشته خویشتن را وجیه الهله جلوه دهد .

چنانچه شکسپیر در " تیمون آتن " گفته است :

" طلا ، این فلز زرد ، درخشان ، پربها

قادر است سیاه را سپید ، ظلم را عدل

زشت را زیبا ، پست را والا ، پیر را جوان

بزدل را شیردل جلوه دهد

خواب راحت را از سر بریاید

این برده زرد رنگ

مذاهب و عقایدی تازه می آفریند و عقاید پیشین را از هم می پاشد ،

نفرین شدگان را رهین رحمت میسازد

سپید مویان را حوانسال جلوه میدهد ،
به دزدان جایگاهی رفیع بخشیده آنان را در کنار والامقامان و سناتورها قرار
میدهد "

با آن که در نقاط مختلف جهان نظریات پیشرفته^۶ سرمایه داری وجود دارد اما
شاه از جمله سرمایه دارانی نیست که بینشی کامل برای کسب منافع داشته باشد
و بتواند تشخیص دهد که در کجا سرمایه گذاری کرده و در کجا از سرمایه گذاری
احتراز جوید ، نظر شاه نسبت به زنان بهترین نمودار طرز تفکری می باشد .
جامعه ایرانی ، جامعه ای است که بتازگی بسوی اقتصاد سرمایه داری که بخشی
از آن صنعتی است پیش میرود ، اما وضعیت شاه ، چه در حکومت و دولت وی و چه
پلیس مخفی او و سایر نهادهای وابسته به او هیچگونه مشابهتی با اشکال کلاسیک
کشورهای سرمایه داری نداشته و چهره ای کاملاً " عقب مانده دارد . وضعیت کشور
شاه کاملاً " بادیگر کشورها مثلاً " بریتانیا متفاوت است چرا که هیچگونه تفکیک
و جدایی بین قوای قضائیه و مقننه و مجریه وجود ندارد و این عدم استقلال و نبودن
جدایی رامیتوان در کابینه ، پارلمان ، پلیس مخفی ، پلیس عادی ، دربار و دیگر
زمینه ها مشاهده کرد . کلیه این نهادها فقط در مقابل یک فرد مسئولیت دارند
و آن فرد کسی جز شخص شاه نیست . این شاه است که فرمانی را صادر کرده یا
امضا می کند و پارلمان ناگزیر از تصویب و تائید است . این حقیقتی انکارناپذیر
است که شاه منادی منافع سرمایه داران و زمین داران بوده و خود شاه به این

طبقات وابسته می باشد . اما شاه همواره یابطور مداوم و موکدا " از حقوق و منافع و تملکات طبقه سرمایه دار دفاع نمی کند . نمونه هایی در زمینه این عدم حمایت را میتوان مشاهده کرد از جمله گاه فرمان صادره اموال یک سرمایه دار را صادر کرده و یا دست سرمایه داران را در سرمایه گذاری جهت انتفاع در برخی زمینه ها کوتاه کرده است .

شاه و ساواک را نمیتوان صرفا " در چارچوب شرایط عینی آنان بررسی کرد زیرا در این صورت نظریات ضد کارگری آنان نادیده انگاشته خواهد شد . در بررسی طرز تفکر و شیوه رفتاری شاه نباید تنها او را دیده یک نماینده طبقه سرمایه دار نگریست زیرا از بعضی جهات کاملا " متفاوت از افراد این طبقه است از این نظر او شباهت به لویی بناپارت در قرن نوزدهم در فرانسه دارد . (۱)

ساواک نیز در چارچوب یک رژیم سرمایه داری از برخی جهات مشابه سایر سازمانهای پلیس مخفی مانند " دینا " و " بوس " و غیره است و از جهات دیگر کاملا " متفاوت ، اما بررسی شیوه رفتاری و نحوه تفکر ساواک بدون در نظر گرفتن ویژگیهای تاریخی آن ناکافی و ناکامل می باشد .

ساواک در موارد اصولی زیر متفاوت از سایر سازمانهای مخفی و پلیسی است .

۱ - ساواک تنها در مقابل یک فرد مسئول است ، یعنی شاه .

۱ - بهیچ وجه نمیتوان کلیه خصوصیات رژیم بناپارت را مشابه رژیم شاه دانست

زیرا رژیم شاه صدها برابر بخش ترو حیوانی تراز بناپارت بوده است .

۲ - ساواک بلحاظ تمتع از ثروت‌های شاه و نیز درآمد سرشار نفت از بودجه‌ای

نامحدود برخوردار است .

۳ - ساواک در اعمالش با هیچ‌گونه محدودیتی مواجه نیست و عملاً " قادر بر

انجام هر کاری است مشروط بر آن که به تصویب شاه برسد .

همه این امتیازات ساواک رابه کارآترین و قدرتمندترین پلیس مخفی جهان مبدل ساخته است . اما ساواک در رابطه با جدال کارگران و نبرد کارگران برای احقاق حقوقشان از خود ضعف و ناکفایی نشان داده است . شاه در بیاناتش گفته بود که در ایران حتی یک دقیقه اعتصاب کارگری وجود ندارد و این آرزویی بود که هیچ‌گاه رنگ حقیقت بخود نگرفت . این سخن ، تنها ، نشانه وحشت درونی این " حاکم جبار و قهار " از آن واقعه ای است که در صورت اتحاد کارگران ممکن است بوقوع بپیوندد .

وحشیگری و حیوان صفتی ساواک تنها یک جنبه از واقعیت و یک جانب از حقیقت است در صورتیکه با برخی از نقاط ضعف همراه نمی بود برای جنبش های کارگری و فعالیت های موفق زیرزمینی و ادامه اعتصابات کارگری خطری جدی بشمار می آمد . باید بخاطر داشت که ساواک از این نظر با سایر متفوت است زیرا که سازمان سیا می کوشد نقاط ضعف خود را هر چند که خوشبختانه همواره موفق نیست جبران نماید ولی ساواک تنها می کوشد وحشیگریها و جنایات خود را مخفی نماید و از سوی دیگر تلاش میکند قدرت و کارآیی خود را آنچنانکه گشتاپو اعمال میداشت بزرگ و

بزرگتر جلوه دهد تا از این طریق اطاعت کورکورانه را در افراد برانگیزد . سازمان سیا بدان خاطر که نقض قانون کرده و قوانین را زیر پا گذاشته ، بشدت از عقاید عمومی هراسناک است اما ساواک هیچ قانونی را سد راه خویش نمی شناسد و بوضوح هیچ نگرانی از بابت واکنش افکار عمومی در داخل ایران ندارد .

ساواک بیشترین تبلیغات و شایعات^۱ پراکنده میسازد تا وانمود نماید که کوچکترین جنبش و حرکتی علیه شاه و رژیم او توسط ساواک کشف و در نطفه خفه خواهد شد . در وهله نخست این که ، این حقیقت ندارد که چشم و گوش ساواک در همه جا حضور دارد و در ثانی بیشتر عوامل ساواک بسیار نالایق و ناآگاه بوده و وظایفشان را صرفاً " بخاطر مزدوری انجام میدهند نه اعتقاد و ایمان و بهمین جهت برای جنبش های زیرزمینی این امکان بوجود می آید که افراد خود را سازمان داده چه در داخل و چه در خارج به فعالیت پردازند .

نقل این مطلب از هفته نامه نیوزویک شماره مورخ اکتبر ۱۹۷۴ چاپ امریکا
بی مناسبت نیست که نوشته بود :

" باتوجه به ضوابط قابل قبول ، میزان و میدان عمل ساواک واقعا " گنج کننده است . بین ۳۰ تا ۶۰ هزار نفر در ساواک بصورت تمام وقت بکار مشغول می باشند . اما این تعداد فقط اسکلت این جانور را تشکیل میدهند . بگفته برخی دیپلماتهای ایرانی تعداد ساواکی ها به رقمی نزدیک به ۳ میلیون نفر میرسد یعنی از هر ۱۱ نفر یک نفر ساواکی

یابه نوعی وابسته به ساواک است و برای ساواک خبرمی آورد . در نتیجه چشم و گوش عمال ساواک درهمه جا حضور داشته است : در هتلها ، تاکسی ها ، مدارس ، سفارتخانه ها و شرکت های خارجی ، کارخانه ها ، مطب پزشکان ، حتی در خوابگاه ها و کافه رستورانها و هر جایی که دانشجویان زندگی و یارفت و آمد می کنند . "

بزرگ جلوه دادن و بوحشت انداختن توده ها از قدرت بی نهایت ساواک از سویی نمایانگر آرزوی ساواک برای بزرگ کنترل و نظارت کامل کشاندن زندگی ایرانیان است و از سویی دیگر با ایجاد رعب و وحشت در مردم آرزوی عظیم بودن خود را تحقق می بخشد . حتی سازمان هایی نظیر تلویزیون CBS آمریکا که مدعی است بررسی بیطرفانه ای درباره قدرت و میدان عمل ساواک کرده است ممکن است آگاهانه قدرت ساواک و رژیم شاه را بزرگتر و برتر جلوه داده و از این طریق تصویری نادرست از پلیس مخفی ایران بدست دهد .

از جمله تلویزیون CBS به نقل از یک دانشجوی ایرانی گفته بود :

" هر آنچه که من در سال تحصیلی ۷۳ - ۱۹۷۲ پیش از دستگیر شدنم

در آمریکا گفته بودم به ساواک گزارش شده بود و این نشانه آن است که

ساواک در سطح جهانی فعالیت می کند . "

نمی بایست کفایت و شایستگی ساواک را کامل و خلل ناپذیر دانست . چرا ؟ بدان خاطر که ساواک افرادی کوتاه فکر را بکار گماشته و به هر یک از آنان یک ضبط صوت حساس داده

تا برای مثال در کلاس برده سخنان استاد را ضبط کنند . میزان کارآیی و شایستگی ساواک را می توان با توجه به قدرت مقابله آن با سازمان های زیرزمینی کسسه می کوشند رژیم شاه را سرنگون سازند ارزیابی کرد . مدارک و شواهد تردیدناپذیری وجود دارد که سازمانهای زیرزمینی در ایران علیه شاه فعالیت می کنند . همچنین مدارکی وجود دارد که نشان میدهد ساواک نه در گذشته قادر بوده است اعتصابات کارگران و دانشجویان را متوقف سازد و نه در آینده قادر به چنین اقدامی خواهد بود .
و حال به این گفتار توجه کنید .

" ساواک ، با زنان چه می کند ؟ باتون الکتریکی را شکنجه گرفته

بدن برهنه زنان نزدیک می کند و بهنگامی که به سینه های آنان

وارد میشود درد و رنج بیشتری احساس میشود و آن هنگام که باتون

در رحم زنان فرو میرود ، زنان فریاد می کشند و خنده های دیوانهوار

سرمی دهند و فریاد می زنند که دیگر نکنید ، همه چیز را می گویم . "

بخش نخست این پاراگراف گویای روش های سبانه ای است که ساواک علیه

زنانی که در مقابل ظلم و بیعدالتی مقابله می کنند بکار می گیرد . اما خوشبختانه

نمونه های دیگری وجود دارد که زنان همه این شکنجه های وحشیانه را تحمل کرده

و عبارت : " دیگر نکنید همه چیز را می گویم " را بازگو کرده اند .

اگر شکنجه همیشه چنین نتیجه سترون و عقیمی داشته باشد آنگاه دورنمای پرمخاطره

جنگ سرمایه داری بین المللی محو و نابود خواهد شد . هوشنگ تره گل کارگری که

در اکتبر ۱۹۷۱ محکوم به اعدام گردید پس از آن که توسط دادگاه نظامی بحر م
توزیع اعلامیه های مارکسیستی محکوم به اعدام گردید ، به محکوم کنندگان خود
گفته بود :

در یک چنین لحظات سرنوشت سازی من بازندگی خویش وداع می گویم
چراکه به موفقیت فردا امیدوار بوده و پیروزی فردا را هم اکنون در پیش
روی می بینم . بازندگی وداع می کنم نه بدان خاطر که بحد کافی
زیسته ام بلکه زندگی که به بهای شرافت و زندگی دیگران بدست آید ،
حقیروبی ارزش است . به عقیده من مرگ هزار بار خوشتر از آن زندگی
است . "

مواردی از بازداشت شدگان در الجزایر ، ویتنام و نیز ایران به ثبوت رسانده است
که مردان و زنان حتی کودکان در صورتیکه مصمم و معتقد به آرمانها و عقایدشان
باشند میتوانند شکنجه هارا تحمل کرده و دم برنیاورند .
در سطح جهانی به اثبات رسیده است که وحشی ترین و کارآمدترین پلیس مخفی ها
قادر نیستند اراده افرادی را که علیه سرمایه داری جهانی مبارزه و ستیزی کنند درهم
فروریخته ، نابود سازند . در سالهای اخیر رژیم شاه ناگزیر شده است تحت فشار
افکار عمومی جهان عده ای از زندانیان سیاسی را مورد عفو قرار دهد ، اما افکار عمومی
جهان با آن که بر حیوان صفتی رژیم شاه آگاهی دارد مع هذا بر آن صحنه می گذارند
زیرا معتقدند در جامعه ای که اکثریت آنان بیسواد هستند ، شاه تنها از طریق اعمال

زور و فشار است که می‌تواند این توده های بیسواد را به پیشرانده و سطح زندگی آنان را بهبود بخشد .

زدودن این طرز تفکر از اندیشه ها و افکار جهانی امری حیاتی است و بشدت می‌بایست علیه این دروغ بزرگ ایستاد و به جهانیان فهماند که کارگران ایرانی از جمله گروههای مسئول و آگاهی هستند که مصمانه بخاطر بهبود شرایط کار و دستمزدها جنگیده اند .

برای اثبات این نکته لازم است که برخی از تلاش های کارگران ایران را علیه شاه و آشکار ساختن فعالیت های ساواک بدقت مورد بررسی قرار دهیم .

برای نمونه بیشتر کتابها یا مقالاتی که درباره ساواک نوشته شده اعم از آن که توسط ایرانیان مخالف یا روزنامه نگاران غربی نوشته شده باشد ، این کتابها در ارتباط با اقداماتی که ساواک (وسیا) علیه جنبش های کارگری اعمال داشته یا با سکوت برگزار کرده و یا به شیوه ای گذرا از آن می‌گذرد .

حزب توده ایران رساله ای درباره ساواک بزبان انگلیسی زیر عنوان " پلیس مخفی شاه " منتشر کرد ولی در این کتاب حتی نمیتوان کلامی درباره عملیات ساواک علیه جنبش های کارگری باز یافت و نیز در دو کتابی که توسط کنفدراسیون دانشجویان ایرانی به زبان فارسی به چاپ رسید ، به این نکته اشاره اندکی شده است .

در صفحه ۱۹ یکی از دو کتاب کنفدراسیون آمده است : " نظارت بر فعالیت های کارگران و دهقانان و جلوگیری از هرگونه اقدامی توسط آنان علیه رژیم وظیفه اصلی

ساواک می باشد .

اما این کتاب بهیچ روی به جزئیات نپرداخته و یادآور نمیشود که چگونه ساواک فعالیت‌های کارگران و دهقانان را سرکوب می‌کند و تنها به شیوه‌ای گذرا و سطحی اشاره دارد که ساواک و سیامتفا " جنبش‌های کارگری را سرکوب می‌سازند . در کتاب دیگری که توسط کنفدراسیون زیر عنوان " مدارکی دربارهٔ ساواک " انتشار یافت بسختی میتوان نکته‌ای دربارهٔ نقش ساواک در سرکوبی جنبش‌های کارگری جستجو کرد . در این کتاب آمده است که پرویز خوانساری که عنوان رسمی رئیس امور فرهنگی و اجتماعی دانشجویان ایرانی در خارج را دارد یکی از عمال ساواک است که در پوشش این عنوان فعالیت‌های دانشجویان را زیر نظر دارد ، اما این کتاب یادآور نشده است که خوانساری ، نماینده‌دایمی ایران در سازمان بین‌المللی کار می‌باشد و از طریق یک چنین نمایندگی این عامل ساواک می‌تواند فعالیت‌های کارگران ایرانی را در سطح جهانی حقیر جلوه دهد . پژوهشی در باب رسالات ، کتب و مقالاتی که گروه‌های مخالف رژیم شاه طبع و نشر کرده اند نشان میدهد با آن‌که آرزوی دیدگاه سیاسی مندرجات آنها طیف وسیعی را می‌پوشاند ولی با این حال این کتب و رسالات ، جنبش‌های کارگری را نادیده گرفته است حتی روزنامه نویسان و سایر دست‌اندرکاران ایرانی و غربی عملیات ساواک و سیارا در سرکوبی جنبش‌های کارگری کاملاً " فراموش کرده اند .

حال اجازه دهید نظر ساواک را در مورد فعالیت‌های خودش بررسی کنیم . ساواک معتقد

است که فعالیت‌هایش موجب تامین امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه‌های علیه منافع ملی است . این واژه ها چه معنا و مفهومی دارند ؟ در حقیقت نقش ساواک را این چنین می‌بایست توجیه کرد :

" تامین امنیت برای سرمایه داری جهانی و جلوگیری از هرگونه

تلاشی که منتهی به زیان منافع سرمایه داری جهانی می‌شود "

باید بیاد آورد که ساواک مخلوق واکنش کودتای ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) است که توسط سازمان سیاه نفع شاه صورت گرفت و ایجاد ساواک در پی سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۴۱ بود که جنبش‌های کارگری نشان دادند قادر به سازمان دهی بوده و میتوانند نیروی موثری در مقابل نقش امپریالیزم و سرمایه داری جهانی در ایران بشمار آیند .

این قدرت سازمان دهی و ایستایی در مقابل سرمایه داری بویژه در میان کارگران شرکت نفت نمودار گردید و سرمایه داری جهانی ، تشکل کارگری را خطری آنی و جدی برای خود تلقی کرد .

نفوذ سرمایه داری جهانی و همه گیر و پراگشیدن اختناق در جامعه ایران دوروی یک سکه می‌باشند و تنها کسانی که دارای منافع در این سفره می‌باشند میتوانند در این حقیقت تردید نکنند . در کنار ایران کشورهای دیگری را میتوان یاد کرد که اختناق و سرمایه داری جهانی دویار جانشینی بوده اند که به وطن آنان تواما " پستای گذارده اند از جمله درشیلی ، افریقای جنوبی ، برزیل ، آرژانتین و چندین کشور دیگر میتوان یاد کرد که همه آنها شاهد های زنده ای بر این گفتار می‌باشند .

اما سرمایه داری جهانی در هر جامعه ای همه اقشار و طبقات را مستقیماً "بزیر فشار" و اختناق خود نمی‌کشد : سرمایه داری جهانی از شرکای بومی خود در هر کشوری سودجسته و بادست و پا کردن متحدینی در میان توده های زحمتکش ، نوک تیـز تهاجم و اختناق را پیش از همه و مقدم بر همه گروهها ، متوجه کارگران میسازد .
در ایران فشار سرمایه داری جهانی بر کارگران بطور آشکار از طریق قوانین و بطور مخفی از طریق ساواک و سیاصورت گرفت اما چرا اقدامات زینبار ساواک و سیاعلیه جنبش های کارگری نادیده انگاشته شده است ؟

پاسخ به این پرسش چندان آسان نیست ، اما میتوان گفت که تئورسین های بورژوا نظر گروهها را درباره قدرت بالقوه و بالفعل جنبش های کارگری در ایران بخاطر کشنده و قدرت این جنبش ها را کمتر از آنچه که هست برآورد کرده اند . این کم برآورد کردن را نتیجه عدم دسترسی پژوهشگران به مدارک و منابعی که گویای تلاش های گذشته و حال کارگران ایرانی است بوده ، میتوان بشمار آورد .
(مدارکی موجود می باشد رژیم خود آنها را بصورت تحریف شده ای منتشر کرده است) .
دست کم گرفتن جنبش های کارگری و عدم دسترسی به مدارک موجود در زمینـه جنبش های کارگران ، دو عامل است که می بایست بدان توجه داشت و این تصور باطل را که جنبش کارگران ایرانی فاقد توان و نیرو است از اذهان عمومی زدود . برای این اقدام میتوان نشریاتی درباره قدرت بالقوه و بالفعل جنبش و آگاهی کارگران ایران منتشر ساخت و یا از طریق بحث و مناظره عمومی حقایق جنبش های کارگری

ایران اعم از گذشته و حال رابه نظر عموم رساند . ماطریق دوم رابزرگزیدهایم .
ما از اهمیت ودشواریهای این اقدام آگاهیم ومیدانیم که برای حصول به نتیجه
ضرورت همکاری جنبش های بین المللی کارگری وجود دارد . ما زهمه سوسیالیست
های جهان خواستاریم که همبستگی خودراباطبقه کارگرایرانی اعلام دارند .

سازمان سیا

حال اجازه دهیدبه بازوی دیگر سرمایه داری بین المللی یعنی آژانس اطلاعات
مرکزی آمریکا ، سیابازگردیم .

حتی پیش ازتشکیل ساواک درسال ۱۹۵۷ ، سازمان سیاکوشیده بودنتاپس از کودتای
۱۹۵۳ بهرطریق که ممکن است درجنبش های کارگری نفوذنماید . دراوایل سال
۱۹۵۳ آمریکا پیشنهادبرنامه هایی جهت آموزش کارگران ماهرعرضه داشت وطی
آن گروهی ازآمریکائیان جهت مهارت بخشیدن به کارگران راهی ایران شدندو
بنیان تاسیس مرکزکارآموزی درسال ۱۹۵۷ مبتنی برهمین طرح آمریکا بودهیئت
اجرایی آمریکا که برای کارآموزی به ایران آمده بود مبلغ ۱۰ میلیون ریال به این مرکز
کمک بلاعوض کردودر مقابل درراس واحدهای کارآموزی ۵ تن ازآموزش دهندگان
آمریکایی راقرار داد . گمان میرفت که این مرکز کارآموزش ومهارت دهی کارگران را
بعهده داشته باشد اما پس از مدت کوتاهی تغییرچهره داده تبدیل به مرکز
مطالعات اتحادیه های کارگری گردید . سازمان سیا برای نفوذ در جنبش های

کارگری در سطح جهانی به اقدامات مشابهی دست یازید از جمله در شیلی موسسه آمریکایی توسعه کارگران آزاد را بنیان نهاد و از طریق این موسسه ۸/۸۳۷ کارگر شیلی را تا پیش از سرنگون سازی آلنده آموزش داد .

از جمله اقدامات "موسسه آمریکایی توسعه کارگران آزاد " اعمال نفوذ در اتحادیه های کارگری ، ایجاد نفاق بین اتحادیه های مختلف کارگری ، ایجاد خرابکاری و سنگ انداختن در مقابل کارگران آمریکای لاتین بسوی دموکراسی بود .

مرکز کارآموزی عده ای از کارگران آموزش دیده را بویژه آن عده ای که توانایی بیشتری برای جذب عقاید مورد نظر امپریالیست ها و سرمایه داران دارا بودند به خارج از ایران اعزام داشت تا مطالعات و آموزشهای خود را در مراکز اروپائی ، آسیائی و آمریکائی که همه این مراکز توسط سیا یا سازمان های وابسته به آن اداره و کنترل میشد ، ادامه دهند .

هیئت اجرایی سازمان کارگران ایران مرکب از کارگرانی است که چندین سال در اروپا و یا آمریکا بوده و آموزشهای لازمه را از استادان سرمایه دار خویش فرا گرفته اند . در صورتیکه مقیسه ای بین نظریات موسسه آمریکایی توسعه کارگران آزاد و نظریات جنبش باصطلاح کارگری ایران بعمل آید ، نقش سیاد ر جنبش کارگری ایران با وضوح بیشتری نمایان خواهد شد .

برای نمونه : پیتزگریس رئیس هیئت مدیره موسسه آمریکایی توسعه کارگران آزاد تاکید بر " همکاری بین کارگران و کارفرمایان دارد تا از این طریق بر تضادهای

طبقاتی نقطه پایان گذارده شود . این نظریه را با بیانیه زیر که در کیهان انگلیسی مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۷۷ بچاپ رسیدمقا یسه کنید :

" انقلاب کارگری (بگفته نظریه پردازان انقلاب سفید) مفهوم

تضاد طبقاتی را در جامعه ایران ریشه کن کرده است . "

و نیز موسسه امریکایی کارگران آزاد پیشرفته می گوید :

" هدف از آموزش کارگران افزایش کارآیی شرکت است . "

واسکار مونزوئیکي از کارکنان موسسه امریکایی پس از سقوط رژیم آلنده گفته بود :

" کارگران بطور کلی در نوسازی کشور سهیم می باشند "

و آقای هویدانخست وزیر اظهار داشته بود :

" بسیار خرسندم از این که مشاهده می کنم کارگران خود به آن

میزان اررشد فکری رسیده اند که بتوانند رابطه ای بین حقوق

و دستمزدها و میزان تولید برقرار نمایند . "

و هاری شادرین که نقشی در سرنگونی رژیم آلنده داشت به کارگران شیلی گفته بود :

" در این نیمکره هر کشوری می بایست راه خویش را انتخاب نماید

شما نیز اولویت های خود را تعیین کنید "

این مطلب را با نظریات رژیم ایران که از کیهان انگلیسی ۱۱ نوامبر ۱۹۷۶ نقل شده است مقایسه کنید :

" سند فلسفه انقلاب سفید ایران گویای این حقیقت است که تجربه هر کشوری خاص آن کشور است . "

مطالبی که در زیر آمده است اعم از آن که به نقل از شاه یا اعضای دولت اوویی نمایندگان کارگران با همه دارای یک طرز تفکر و یک احساس است و حتی غالباً دارای یک نحوه بیان می باشد . در همه این گفتارها عقیده و نظریه اصلی بر محور وحدت و اتحاد کارفرمایان و کارگران ، لزوم سخت کوشیدن و نابودی تضاد طبقاتی و بگفته شاه ، بوجود آمدن هماهنگی طبقاتی است .

آقای لطف اله رضا خواهی نماینده کارگران بافندگی و ریسندگی کاشان اظهاراتسی داشته که در اطلاعات ۲۴ می ۱۹۷۶ بشرح زیر درج شده بود :

" روابط دوستانه و صمیمانه ای بین کارفرمایان و کارگران کارخانجات ریسندگی و بافندگی کاشان برقرار می باشد "

آقای عبدالله قربانی پور نماینده کارگران شرکت مهندسی کارنوا اظهار داشته بود :

" کارگران ایرانی در کارگاههای خود احساس غربت و تنهایی

نمی کنند زیرا بین کارگران و کارفرمایان مشارکتی است که هر

گونه دلتنگی را از میان بر می دارد و لذا ضرورت آن وجود دارد که

کارگران هرچه بیشتر در جهت این مشارکت کوشیده و نتایج
مطلوب تری بدست آورند .

آقای مظفر مارو ، نماینده کارگران کارخانه شیشه سازی میرال اظهار داشت :

" حال ایران در میان پیشرفته ترین کشورهای جهان جای گرفته
است "

نمایندگان کارگران بارها تاکید کرده اند که چگونه آنان نیروهای بی جان و مسرده
بودند یا

" کارگران تا پیش از عصر پهلوی اصولاً " بحساب نمی آمدند "

آقای ای . خادمی نماینده کارگران انبار خصوصی اظهار داشته بود :

" شما (کارگران) از عرصه نیستی به دنیای هستی پای گذارده اید "

یکی از کارگران که در مجلس شورایی ملی راه یافته ، اظهار داشته بود :

" من انسان نبودم ، زیرا یک کارگر بودم . خدایگان شاهنشاه

آریامهر ، سالیان دراز بود که از ارادت قلبی و وفاداری من

نسبت به ایشان آگاه بودند و بهمین روی فرمان دادند که

در مجلس به عنوان نماینده برگزیده شوم . حال افتخار دارم که

مقام نوکری شاهنشاه را داشته و سرباز معظم له باشم . "

و نیز آقای بخشی نماینده کارگران شرکت شیشه قزوین گفته بود :

" درود ملت ایران بویژه درود کارگران ایرانی بر رهبر خردمندان

شاهنشاه آریامهر که زنجیرهای ارسارت و بردگی را از گردن ما برداشت

و کارگران ایرانی را آزاد ساخت "

و نیز آقای رضانوری زاده دبیرکل سندیکای کارگران کامیون سازی تهران اظهار داشته بود :

" شاهنشاه تنها فردی هستند که ایرانی آزاد و مرفه ایجاد کردند "

گفتنی است که ، افرادی که با فقدان انواع آزادیها بجز آزادی که از نوع آزادی - سرمایه داری بین المللی است در ایران آشنا هستند ، درمی یابند که منظور این با اصطلاح نمایندگان کارگران از بکارگیری واژه آزادی چیست . زیرا مفهوم راکه مورد نظر این آقایان می باشد ، دقیقا همان آزادی است که سیایاموسه آمریکایی توسعه کارگران آزاد ، القامی کند .

آقای اکبری نماینده سازمان کارگران ایران این مفهوم از آزادی و دموکراسی را بطرز روشنی بیان می کند :

" امروزه کشور ما از آنچنان امنیت اجتماعی ، ثبات سیاسی و اقتصادی برخوردار است که کشورهای پیشرفته جهان میتوانند در کشور ما بدون هرگونه دل نگرانی و اضطراب سرمایه گذاری کنند . یکی از بهترین نمونه های این فراغ بال کشورهای خارجی در سرمایه گذاری در ایران را میتوان در سرمایه گذاری که واحد بزرگ بایر - ایران شیمی و بایر فارما در ایران - کرده است دانست .

نتیجه آن که گروههای مخالف رژیم ایران کمتر توجهی به چگونگی عملیات سیا علیه جنبش های کارگری در ایران اعمال داشته اند ، حال آن که از عملیات نظامی آمریکا در ایران اطلاعات کافی بدست آورده اند . گزارش شده است که از سال ۱۹۵۰ در چارچوب برنامه همکاری نظامی ، آمریکا ۳۲۰۰۰۰ نظامی ایرانی را آموزش داده است ولی گفته نشده است که موسسه آمریکایی توسعه آزادی کارگران در همین فاصله زمانی فقط در منطقه آمریکای لاتین و دریای کارائیب ۲۴۳۶۶۸ کارگر را آموزش داده و تربیت کرده است و اگر رقم ۲۴۳۶۶۸ نفری را که پس از دریافت آموزش آمریکایی به آسیا و آفریقا روانه شده تا آموخته های خویش را به کارگران این دو قاره آموزش دهند به رقم ۳۲۰۰۰۰ بیفزائیم آنگاه از وسعت میدان عمل سیا آگاه میشویم .

ایران در میان کشورهایی که تعلیم دیدگان سیا به آن نفوذ کردند کشور استثنایی نیست و باید اذعان داشت که میدان نفوذ سیا در جنبش های کارگری بسیار زیاد است ولی با همه این احوال ، گروههای مخالف ایران نقش سیار در این جنبش ها نادیده گرفته اند و این موضوعی است که نباید فراموش شود .

اعتصابات

۱ - شرایط کار

پیش از بررسی اعتصابات و اشکال اعتراضات کارگران در ایران، می‌بایست مطالبی درباره زندگی کارگری در فضای کار و شرایطی که کارگران تحت آن بکار ادامه می‌دهند بیان گردد. در کنار دستمزدی که کارگر دریافت می‌دارد مطالب نوشتنی بسیاری است که در رابطه با این دستمزد می‌باشد نظیر: تامین کار، تصمیم‌گیری درباره شیوه‌های کار، انضباط شغلی، تفاوت دستمزد بین مرد و زن، ارزشی که برای خواست‌های کارگران در مدیریت کارگاه‌ها قایل می‌گردند و

در ایران همه مسایل و امور توسط هیئت مدیره یا مدیر دستگاه حل و فصل می‌شود و هیچگونه نشانه‌ای از دموکراسی صنعتی مشاهده نمی‌گردد.

در کشورهای سرمایه داری مانند انگلستان اقدامات متعددی برای بهبود شرایط محیطی کارگاه و محل کار بعمل می‌آید. ضوابط بهداشتی و تامینی سختی برای تاسیس کارگاه وجود دارد و کارگران انگلیسی در محیط کارشان دارای نقشی پراهمیت بوده و آنان قویاً " در امور شغلی و مدیریت کارگاه سهم می‌باشند. اما در ایران شرایط کاملاً متفاوت می‌باشد. در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها اوضاع چنین است: هیچ وسیله‌ای برای تعیین میزان خطراتی که سلامتی را تهدید می‌کند وجود ندارد. از جمله وسایلی وجود ندارد که نشان دهد میزان دود و یا بخاری که در محیط کار وجود دارد یا گازها و بخارات شیمیایی زیان‌آوری که در مراحل مختلف کار مورد بهره برداری قرار می‌گیرد چه میزان می‌باشد. در کارگاه‌ها هیچ گونه حفاظی در مقابل خطراتی که کارگران را،

تهدید می کند وجود ندارد غالباً " کارگران در معرض تهدید بیماریهای تنفسی و پوستی می باشند .

- نوری که از پنجره ها وارد فضای کار میشود و یا نور چراغها مناسب نیست و ایمن چنین است

درجه حرارت محیط کار و جریان هوا

- برای کارگران کمدر نظر گرفته نشده و نیز محل خاصی برای تغییر لباس وجود ندارد از جریان آب گرم و سرد ، دستشویی ، صابون و حوله کمتری توان سراغی گرفت .
- از وسایل کمکهای اولیه ، پزشکیاران صنعتی و معاینات پزشکی اثری نیست .
- برای حمل ابزارهای سنگین توسط کارگران هیچگونه محدودیتی وجود ندارد و کمتر در کارگاهی میتوان وسایل مکانیکی برای حمل بارهای سنگین یافت .
- کارگران در مقابل ماشین آلات تامین کافی ندارند و وسایل حفاظتی کامل در نظر گرفته نشده است .

- از لباس های حفاظتی نظیر لباس های سراسری کار ، پابند ، عینک دودی، دستکش کفش چرمی مخصوص کار و صداگیر نشانی نمیتوان یافت .

- در کارگاهها درباره میزان صدا تحقیقی بعمل نمی آید در نتیجه عدهای از کارگران در مرز ناشنوایی قرار دارند .

- وسایل پیشگیری از آتش سوزی وجود ندارد و مواد قابل اشتعال بدون حفاظت بود . در معرض آتش سوزی قرار دارند .

همه روزه ، روزنامه های سانسور شده کشور اجازه می یابند تا حادثه های آتش سوزی در کارگاهها راجع نمایند ، شاید رژیم تصور می کند که آتش سوزی در کارگاهها یک فاجعه طبیعی است .

تاثیر مستقیم همه این شرایط ناامن و ناسالم محیط کار کشته شدن روزانه چند تن از کارگران و زخمی شدن صدها تن از آنان می باشد . (۱)

بنابراین میتوان مشاهده کرد که شرایط کار در ایران مشابه شرایطی است که در اوایل قرن هیجدهم بهنگام انقلاب صنعتی برانگلستان حاکم بود .

در یک چنین شرایطی ، کارگران تنهایی و غربت شدیدی را در محل کار خویش احساس می کنند . در این مقوله جای بحث در مورد افراد بیکار و افرادی که بصورت نامرتب کاری برای انجام دادن می یابند نیست . کارگرانی که از محیط ناسالم کار خویش و نیز محیط بسته فعالیت خود آگاهی دارند میدانند که بگفته مارکس " درزیـــر سلطه ، اجبار و یوغ انسان دیگری به انجام خدمت مشغول می باشند . و آن که شاهد شرایط رقت بار محیط کار خویش ، برادران و خواهران خویش است ، آن که می بیند و درک می کند که چگونه با او نه به عنوان یک کارگر که بمانند یک سرباز درون پادگان

۱- بر اساس تحقیقات ژانویه ۱۹۷۷ سازمان "بهداشت و امنیت کار" بطور متوسط در ایران روزانه ۴ کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار کشته شده و ۳۰۰۰ نفر آنچنان آسیب می بینند که ناگزیر از استراحت و بستری شدن بیش از سه روز میشوند . تعداد کل آسیب دیدگان در سال به میلیونها نفر میرسد .

رفتار میشود و اجازه ندارد که نظری را بیان دارد یا گرفتاری و غم خویش را بازگو کند و لسی مشاهده می‌کنند رژیم کشورش سالانه ۸ میلیارد دلار صرف تسلیحات و - خریداری اسلحه از خارج می‌کند ، حال آن محیط کارش در سخت ترین و هولناکترین شرایط قرار دارد ، لزوم اتحاد و وحدت کارگران و جنگیدن برای تغییر شرایط را احساس می‌کند .

۲ - عوامل اقتصادی اجتماعی اعتصابات

پیش از این به نقل از روزنامه فاینانشال تایمز گفته شد که شاه مدعی است " در ایران حتی یک دقیقه اعتصاب کاری وجود ندارد . " باید اذعان کرد که این ادعا کاملاً " دروغین و کاذب می‌باشد اما در این جا باید مودکانه اضافه کنم که هیچ یک از خبرنگاران غربی که برای روزنامه ها و جراید سرمایه داری خبر و مقاله تهیه میکنند ، نتوانسته است از عظمت اعتصابات کاری در ایران تصویری راستین تهیه نماید . در این جا میتوان از فاینانشال تایمز لوموند یا سایر منابع غربی یاد کرد که هیچگاه اشاره ای به وسعت و عظمت اعتصابات کاری نداشته اند و این که از این جراید نام برده میشود نه از آن جهت است که تنها منبع اطلاعاتی می‌باشند بلکه بدان خاطر که نویسندگان و سردبیران آنها برای ایران شناخته شده می‌باشند .

لرد تورنی کرافت نظری واقع بینانه تر از شاه در مورد اعتصابات کاری اظهار

میدارد : اعتصابات درسیستم های اقتصادی فوق العاده پیشرفته امری بسیار عادی است ، کارگران ایرانی ازاعتصاب دورنیستند ، آنان برای دست یافتن به دستمزد و شرایط بهتر اعم از شرایط محیطی و روابط و مناسبات نزدیکترین کارگرو کارفرما بتازگی تلاش هایی را آغاز کرده اند . بدلائل بنیانی زیر در ایران اعتصابات بیشتر و بیشتری وجود خواهد داشت :

- ۱- تعداد کارگران صنعتی در ایران باروند سریعی روبه افزون است - بنا به رقمی که سازمان بین المللی کار میدهد در سال ۱۹۵۶ تعداد کارگران صنعتی در ایران ۷۷۳۰۰۰ یعنی ۱۱ درصد نیروی کار بوده است حال آن که در مارس ۱۹۷۷ این رقم به ۲۱۰۰۰۰۰ نفر یعنی ۲۰ درصد نیروی کار افزایش گرفت -
- ۲ - تعداد کارگاههای صنعتی جدید که تعداد کارگران آن هابیش از ده نفر است بسرعت در حال افزایش است اما تعداد مجموعه های کارگری که هزاران کارگر دراستخدام دارند هنوز بسیار اندک می باشد .
- ۳ - نیروی انسانی صنعتی که بتازگی روستاها را برای کار در شهرهای صنعتی ترک گفته ، بطریق روزافزونی از نظر روانی و فکری از روستاها بریده شده به شهرها پیوند می خورد ، بطوریکه مسایل تولیدی در شمار مسایل فردی وی جای می گیرند (بهمان صورت که در روستاها بر روی زمین خود کار می کرد) . در کارخانه ها هم بستگی کارگرانی که از روستاها به شهر آمده اند قوی تر شده و نسبت به مسایل کار خود متفقا " عمل می کنند .

۴ - تبلیغاتی که رژیم بر روی کارگران پیاده می کند ، بویژه تبلیغاتی راکه همه روزه در رادیو ایران در برنامه نیمروزی خود به عنوان برنامه کارگران بمرحله اجرایی گذارد ، نمی تواند آن تاثیر را که مورد نظر مقامات می باشد بر کارگران باقی بگذارد . طی این برنامه نیمروزی به کارگران گفته میشود که می بایست سخت کار کرده ، به نظامات کارگاه خود احترام گذارده ، بدستورات کارفرمایان خویش گوش فرادهند . همچنین به آنان یادآوری میشود که هیچگونه تضاد واقعی بین کارگر و کارفرما وجود ندارد و هرگونه دشواری و مشکل کوچکی پیش آید بسادگی از طریق وزارت کار قابل حل می باشد بویژه آن که وزارت کار جهت احقاق حقوق کارگران و منافع آنان گام برمیدارد . در این برنامه به کارگران تلقین می شود که شرایط زندگی و کار آنان بخاطر خواست های شاه مهربان و بخشنده بطریق بنیانی دگرگون شده بهبود یافته است و این شاه پر عطوفت چون مردی مهربان همه حقوق کارگران را به آنان اعطا کرده و هر کس که چنین امری را باور ندارد با او رفتاری پر خشونت خواهد شد .

۵ - فرمان جدید شاه مبنی بر این که هر کارگروطن پرستی می بایست در حزب او - رستاخیز - بطور فعالی نقش سیاسی داشته باشد (فقط در حزب او و در سایر احزاب ممنوع است) دارای دو تاثیر متضاد و متناقض بود . از یکسو کارگرانی که (اقلیت ناچیزی را تشکیل میدادند) از حقوق و مزایای هنگفتی برخوردار بوده و تعلیم دیده سازمانهای آموزشی آمریکایی بودند ، در سالهای کنفرانس حزب رستاخیز گرد آمده و درباره دستاوردهای انقلاب و حزب رستاخیز

سخنرانی می کردند . ازسوی دیگر اکثریت عظیم کارگرانی که به این میتینگ های سیاسی کشانده شده وگوش آنان به انباری از تبلیغات رژیم تبدیل میگردد ، در ابتدا دچار بهت زدگی شده و نمیتوانستند در مقابل وعده هایی که به آنان داده میشد مقاومت کنند اما تجربیات زندگی روزمره به آنان نشان میداد که تصویری را که در این سالن های حزبی به آنان عرضه میشود کاملاً "متفاوت با زندگی واقعی شان می باشد از این روی آنان نه تنها نیازهای خود را بهتر میشناختند در پی آن آمدند تا پاسخ نیازهای خود را در اجتماعات و محافل دیگری جستجو کنند .

۶- گروهها مختلف مخالف رژیم که درگیر انواع مبارزات با رژیم بودند در میان کارگران نفوذ کرده و با آنان رابطه مستقیم برقرار نمودند .

۷- بهای مواد غذایی پایه و ما یحتاج زندگی بطور سرسام آوری فزونی می گیرد و نیز کمبودهای قاطعی در برخی مواد غذایی پایه نظیر گوشت ، شیرو نظایر آن مشاهده میشود و افزایش بهای تسهیلات زندگی و کمبود فوق العاده مسکن ، دو مشکل مهمی هستند که کارگران شهرهای بزرگ مانند تهران ، تبریز و غیره با آن مواجه می باشند .

۸- بحرانهای اقتصادی که نتیجه عوامل اساسی زیر می باشد نقشی اساسی در اعتصابات کارگردداشته اند .

الف - کساد و رکود در بازارهای سرمایه داری جهانی اقتصاد ایران

راکه قویا " به این بازارها وابسته است ، تحت تاثیر قراردادده از

جمله موجب شده که سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی صرف

- واردات شود - ۱۵ میلیارد دلار حجم سالانه واردات - .
- ب - افزایش درآمد نفت که ، در چارچوب او یک صورت گرفت و درآمد نفت راتا ۱۴۰ میلیارد ریال فزونی داد .
- پ - خرید سلاحهای کاملا " پیشرفته که در آیندهای نزدیک به رقمی حدود ۲۰ میلیارد دلار افزایش می یابد .
- ت - بی توجهی رژیم به سیاست های کشاورزی که موجب کاهش فوق العاده شدیدی در محصولات کشاورزی شده و سبب گردیده که رژیم ایران بسیاری از مواد غذایی را که در ایران در حد وفور تولید می شد از خارج وارد نماید . یک آلمانی تخمین زده بود (در تاریخ ۱۰/۸/۷۶) که سالانه ارزش واردات مواد غذایی ایران به ۴ میلیارد مارک آلمان بالغ می گردد .
- ث - فساد عمیق و گستردهای که در میان مقامات دولتی مشاهده میشود ، بطوریکه همه ساله موجب تلف شدن مقدار قابل توجهی پول میشوند حتی برخی از گزارشگران غربی تردید می کنند که چنین رژیمی بتواند فساد را نابود سازد ، بطوریکه در روزنامه فاینانشال تایمز مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۶ آمده بود ،
- " فساد بقدری گسترده و عقی است که نابود ساختن آن بعید مینماید "
- ج - صرف هزینه های هنگفتی برای برنامه های خودنمایی ، نشان دادن -

پیشرفتهای کشور که حتی با معیارها و استانداردهای کشورهای —

سرمایه داری سازگاری ندارند .

تاثیر همه عوامل بر شمرده افزایش بیکاری و حتی کاهش دستمزدهای پایه در برخی

جنبه‌های اشتغال و رواج استثمار شدید تر بود .

پاسخ حاد کارگران به این کمبودها و بحرانها ، اعتصاب بود . عامل اصلی اعتصابات ،

شرایط تولیدی سرمایه داری بود و در واقع سیستم سرمایه داری این اعتصابات را

در پی آوردن این نحوه تولید (سرمایه داری) تاثیرات چند جانبه بازدارنده ای چه

از نظر اقتصادی ، سیاسی ، روانی و غیره بر روی کارگران نهاد . اما غالباً

ظاهراً " چهره ای اقتصادی داشت و خواست های کارگران ظاهراً " امور رفاهی و مالی

را در بر می گرفت .

همانطور که گفته شد معمولاً " اعتصابات کارگری در ایران رنگ اقتصادی دارد اما با

توجه به شرایط خاص ایران میتوان گفت که همه خواست های اقتصادی کارگران

از یک جنبه سیاسی برخوردار می باشد . زیرا در نتیجه این اعتصابات کارگران

رویاری دولت قرار میگیرند . و این بمفهوم مبارزه و مقابله با قدرت رژیم مستبد شاه

است . در کشوری مانند انگلیس دست یازیدن به اعتصاب به معنای زور آزمایی با

دولت نیست اما در ایران هر اعتصاب کننده ای پیش از اقدام به اعتصاب می بایست

بیندیشد که آیا میتواند با مجموع قدرت ساواک ، پلیس و ارتش مقابله نماید زیرا که

اعتصاب کننده در خطر ضرب و جرح ، کشته شدن ، بزدان افتادن یا شکنجه شدن

بالاقل از دست دادن شغل می باشد و به این اعتبار هر اعتصابی در ایران در واقع نوعی زورآزمایی بارزیم است .

۹ - قوانین کار در ایران در مورد حقوق و مزایای بیکاری کاملاً " سکوت میکند .



تصویر فوق نشانگر کارگران بیکار است (در شمار آنان رنگرزان و نقاشان حرفه ای مشاهده میشود) آنان در گوشه ای از لاله زار و منوچهری ایستاده و منتظر کارفرمایی را می کشند تا به آنان کاری ارجاع کند .

در عین حال که در تهران چندین شهر بزرگ دیگر ایران تعداد زیادی فقیر و بینوا وجود دارد و بسیاری از مردم فاقد مسکن و سرپناه هستند ، دولت مخارج عظیمی را صرف مراکز یادبود شاهنشاهی مثل میدان شهیدان می کند ولی حاضر برای سرمایه گذاری در امر خانه سازی برای کارگران نیست و میلیاردها دلار در آمد نفت یا صرف خرید اسلحه میشود و یا با ساختن بناهای یادبود یا جشن های شاهنشاهی به هدر میرود .

هراعتصاب کننده ای بااعتصاب خود بوضوح علیه حقوق اجتماعی که به طبقه کارگرا عطا شده است اعتراض می کند . اعتصاب کنندگان علیه طرزتفکر رژیم که صرفاً حقوق اقتصادی را در تضادهای صنعتی در نظر می گیرد مبارزه می کنند . در پی انتصباتی که در کارخانه های مختلف روی داد ، رژیم کوشید تا بظا هر با کارگران از درآشتی وارد شود و رادیاو ایران در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۶ اعلام داشت .

۱- "هرکارخانه ای می بایست در منافع خود کارگران را سهیم سازد ."

۲- " . . . رضایت کارگران می بایست جلب شود و هر کارگری می بایست درآمدی داشته باشد که هزینه های او را تامین کند تا با میل و اشتیاق تمام کار نماید ."

۳- " . . . هرکارخانه یا واحد صنعتی بخشی از کل اقتصاد ملی است و دولت نمی تواند نسبت به سرنوشت این واحدهای تفاوت باقی بماند ."

رژیم هر طریق که شده اجازه نمیدهد کارگران از اعتصاب به عنوان سلاحی برای دفاع از منافع خود بهره گیرند حتی سازمان بین المللی کار که ایران عضویت آنرا دارد بطریق محترمانه ای اقدامات رژیم ایران را در جلوگیری از اعتصابات بدینگونه توجیه کرد :

" کمیته آزادی اجتماعی مرکب از اعضای هیئت مدیره سازمان

بین المللی کار تشکیل جلسه داد و اعلام داشت : " ح —————

اعتصاب قویا "وتاما" پذیرفته شده و بخش جدانا پذیر حقوق کارگران را برای دفاع از منافع مالی و اقتصادی آنها تشکیل میدهد ."

بنابراین وجود اعتصاب یا عدم وجود آن نشان رضایت یا عدم رضایت دولت عضو سازمان از معیارها و استانداردهای وضع شده برای آزادی اجتماعات می باشد ."

تحت فشار و اختناقی که رژیم ایران مانع از اعمال هرگونه آزادی سیاسی میشود ، اشکال مختلفی از مبارزه پدیدار می گردد ؛ چنانچه مارکس میگوید ؛

" هرگونه جنبشی که در چارچوب آن طبقه کارگر به عنوان طبقه ای در برابر و روپاروی طبقه حاکمه قرار گرفته و می کوشد تا با اعمال فشار طبقه حاکمه را از خارج تحت فشار قرار دهد ، آن جنبش ، حرکتی سیاسی خوانده میشود ."

به این اعتبار هر اعتصابی در ایران هرچند که دارای هدفها و خواستهای اقتصادی باشد ، از آنجه که تلاشی برای احقاق حقوق همه کارگران و نیز کسب حق اعتصاب است ، یک جنبش سیاسی بشمار می آید .

اعتصابیون در ایران با مشکلات و دشواریهای بسیاری مواجه هستند که این دشواریها را حدی نیست . در انگلستان تنها در قرن گذشته بود که کارگران بخاطر اعتصاب و

برپایی تظاهرات هدف گلوله قرار گرفتند و هزاران کارگر بخاطر احقاق حقوق خویش شغل خود را از دست دادند . اما در ایران بعد و شدت فاجعه بسیار عمیق تر و گسترده تر است . هر اعتصابی به احتمال زیاد با مرگ مواجه است . نکته دیگر که خود تفاوتی با رزبین ایران و بریتانیاست این است که موضوع اعتصابات بهیچ روی به خارج از حوزه اعتصاب درز نمی کند تا از حمایت افکار عمومی برخوردار شود . اگرچه در هر دو کشور ایران و انگلستان اعتصاب ممکن است غیر رسمی و گاه غیر قانونی باشد ولی اعتصاب در ایران یک جرم جنایی است و در چارچوب قوانین جنایی مجرم کیفر داده میشود .

۳ - اخبار اعتصابات

در ذیل فهرستی ناقص و نا کامل از اعتصابات که در فاصله فوریه ۱۹۷۶ تا ژوئیه ۱۹۷۶ در ایران گزارش شده است و ما توانسته ایم از صحت آنها مطمئن شویم ذکر می کنیم . در فوریه کارگران کارخانه شه باف دشت خواستار اضافه دستمزد شدند . اعتصاب فقط چند ساعتی ادامه یافت و علی رغم آن که پلیس و عوامل ساواک آنان را تهدید و یا مجبور به بازگشت به کار ساختند ولی کارفرمایان با خواست های کارگران موافقت کردند . یک گزارش حاکیست که کارگران چند دستگاه و ماشین پارچه بافی را شکسته اند . در آوریل ۱۹۷۶ ، ۳۰۰۰ کارگر کشاورز پارس آباد واقع در دشت مغان که ۱۲ ساعت در روز کار می کردند و کارگران زن نصف حقوق و دستمزد مردان را داشتند دست به اعتصاب زدند . آنان خواستار اجرای قانون کار بویژه هشت ساعت کار در روز و برابری

دستمزد زنان بامردان شدند پلیس مسلح به سوی اعتصاب کنندگان حمله برد و اعتصاب را درهم شکست .

در می ۱۹۷۶ قالب ریزان کوره های مرند ، تبریز و اردبیل بدان خاطر که نرخ ۱۰۰۰ آجر به میزان ۱۲ درصد کاهش یافته بود دست به اعتصاب زدند . موضوع شکایت آنان بحکمیت گذارده شد و ما از نتیجه داوری آنان اطلاعی نداریم .

در همین ماه معدنچیان زغال سنگ سنگرود (نزدیک شاهرود) دست به اعتصاب زدند ، کارگران اعتصابی برای آن که توسط عمال ساواک شناسایی نشوند ، صورتهایشان را سیاه کردند . کارفرمایان از ترس کارگران در کمدها پنهان شده و درها را بروی خود قفل کردند و نیروهای مسلح ۴۰۰۰ معدنچی را در محاصره گرفتند .

کارگران اعتصابی خواستار افزایش دستمزد در قبال افزایش بهای سطح زندگی شده و نیز درخواست تمهیدات حفاظتی بیشتری در مقابل خطرات ناشی از کار شدند . هیچگونه تهدید و فشاری در تصمیم کارگران اعتصابی خللی وارد نیاورد و آنان در مقابل هرگونه تهدیدی مقاومت کردند . دولت و کارفرمایان برای مشاوری به گردهم آیی دست زدند و در نهایت با خواست های اعتصابیون موافقت کردند و بالاخره اعتصاب با موفقیت پایان گرفت . اما پس از پایان گرفتن اعتصاب تعداد ۵۰ تا ۷۰ کارگر اعتصابی به زندانهای سمنان و دامغان اعزام شده تا تحت شکنجه قرار گرفته و روشن شود که عاملین و محرکین اصلی اعتصابات چه کسانی بودند ، زیرا ساواک علیرغم همه تلاش هایش نتوانسته بود ، عاملین اصلی را

شناسایی کند. همچنین درمی ۱۹۷۶ حدود ۱۰۰۰۰ کارگر کوره پزی تبریز وارد بیل دست به اعتصاب زدند. اعتصاب آنان حدود یک هفته ادامه یافت و در نهایت آنان موفق شدند ۵۰ درصد اضافه دستمزد دریافت دارند.

در اول می ۱۹۷۶ که روز کارگر خوانده میشود، ۳۰۰۰ کارگر کارخانه چیت سازی تهران برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. کارخانه توسط نیروهای مسلح به محاصره گرفته شد. یک گزارش حاکیست که برخوردی بین کارگران و سربازان روی داد که طی آن دهها کارگر کشته شدند. در میان کارگرانی که کشته شدند کارگری بنام چنگیزی خوانده میشود. اعتصاب بمدت ۱۵ روز ادامه یافت. در پی این اعتصاب دو کارخانه پارچه بافی دیگر از گروه اطلس و کارخانه های دیگری در خیابان رزم آرا دست به اعتصاب زدند.

در می ۱۹۷۶ کارگران کارخانه بسته بندی ایران که وابسته به گروه صنعتی بهشهر می باشند، برای افزایش دستمزد اقدام به اعتصاب یک روزه کردند. طی این اعتصاب چندین جزوه که بطور مخفی تهیه شده بود توزیع گردید. خواستهای این کارگران اجابت نشد و آنان در دوشنبه ۳۰ اوت ۱۹۷۶ دست به اعتصاب مجدد زدند. روز سه شنبه اعتصاب در سراسر کارخانه گسترش گرفت. در بعد از ظهر همان روز کارگران سایر قسمت ها به اعتصاب پیوستند. روز بعد کلیه کارگران بخش های مختلف به کارگران پیوسته و اعتصاب سرتاسر واحد صنعتی بهشهر را فرا گرفت. نمایندگان با اصطلاح کارگران دوش بدوش کارفرمایان خواستار بازگشت کارگران به

سرکارهایشان شدند . اما کارگران درخواست های آنان را نادیده گرفته و حتی حاضر به شنیدن سخنان نمایندگان خود نشدند . در این هنگام کارفرمایان از کارگران درخواست کردند که مدت ۲۰ روزه آنها فرصت دهند تا خواست های آنان را مورد بررسی قرار دهند . کارگران با این پیشنهاد موافقت کرده و به سرکارهایشان بازگشتند . درخواست های کارگران عبارت بودند از :

۱- ۳۵ درصد افزایش دستمزد .

۲- پرداخت حق مسکن براساس نرخ های جاری

۳- سه ساعت اضافه کار روزانه

کارگران گروه صنعتی بهشهر در جزواتی که مخفیانه میان کارگران سایر کارخانه ها توزیع کردند چنین نوشته بودند .

" تنها راه رهایی برای کارگران اتحاد و سازمان دهی است "

ما کارگران گروه صنعتی بهشهر یک بار دیگر به اعتصاب دست

زدیم زیرا که مسئولان هیچگونه توجهی به نیازهای ما

نمی کنند ، نیازهایی که ناشی از شرایط غیر قابل تحمل و

دشوار این دوران تاریک است . "

تحت شرایط فعلی و تحت این رژیم ضد مردمی ، ما حتی از

ابتدایی ترین حقوق اتحادیه های کارگری محروم هستیم . وزارت

کار و نمایندگان دستوری آن چیزی جز عروسکهای خیمه شب بازی

دردست سرمایه داران دزد نیستند . "

" فقط از طریق متحد ساختن خودمان و بیرون راندن جاسوسان
کارفرمایان از صفوف خود و اعتصابهای بهم پیوسته میتوانیم
خواست هایمان را تحقق بخشیم . ما میتوانیم در مقابل غارتگرانی
چون لاجوردیها ، ثابت پاسالها و رضاییها و نظایر آنان
مقاومت کنیم زیرا آنان نوکران دست بسینه سرمایه داران خارجی
هستند . "

" بنابراین رفقا بکوشید تا با ایجاد سازمانی متشکل و متحد دست به
اعتصابهایی دراز مدت زده زیرا در این برهه از زمان اعتصاب تنها
سلاح کارگران ورنجبران است . "

" درود بر رفقای مجاهد دیگر کارخانه ها "

" یاد آن شهدایی که زندگی خود را برای رهایی طبقه کارگر فدا ساختند
گرامی میداریم "

" زنده باد اتحاد و یگانگی رنجبران و زحمتکشان ایران "

" بی تردید حکومت دزدان و غارتگران سرنگون خواهد شد و اتحاد
و اتفاق ما تضمین پیروزی ماست "

درژوئن ۱۹۲۶ کارگران کارخانه سیمان اصفهان برای اضافه دستمزد دست به
اعتصاب زدند . اعتصاب پس از چهار روز خاتمه یافت و درخواست های کارگران

اجابت گردید .

همچنین درژوئن کارگران نخریسی سیمین اصفهان ، ۷۰۰۰ کارگر کارخانه پارچه بافی شهنازو ۱۴۰۰ کارگر پشم بافی برای افزایش دستمزددست به اعتصاب زدند . اعتصاب بسرعت درسراسر شهر اصفهان که به منجسترایان معروف است گسترش یافت ووزارت کاربااین وحشت که مبادااعتصاب همه جاگیرشودخواست های کارگران راپذیرا شد واعتصاب فروکش کرد . کارگران علاءالدین که تعدادآنان کمتر از ۲۰۰ نفر است ، دست به اعتصاب زدنداطلاعات بیشتری درباره نتیجه اعتصاب دردست نیست جزآن که تعدادی از کارگران به مرکزساواک برای استنطاق برده شدند .

درژوئن ۱۹۷۶ ، مجددا " کارگران صنایع غذایی مینوبرای افزایش دستمزداقدام به اعتصاب کردند . درژوئیه ۱۹۷۶ کارگران یک بخش ازگروه صنعتی بهشهر برای افزایش دستمزددست به اعتصاب زدند . اعتصاب بمدت ۴ روزادامه یافت و - درخواست های آنان موردقبول واقع شد .

وسایل ارتباط جمعی بطورضمنی - احتمالا " برائثنا آگاهی از اشکال گوناگون تضادهای صنعتی - وجود برخی اعتراضات را تأیید کردند .

بنابه گفته " سی کو " نویسنده کتاب کارگرومدیریت درجوامع صنعتی :

" اعتصاب عادی ترین و آشکارترین شیوه بیان است . اما برخورد

کارگران با کارفرمایان میتواند اشکال وچهره های دیگری نظیر -

چانه زدن بطریق دوستانه و تسلیم شکایت ، تحریم ، اعمال سیاسی ، محدود کردن میزان تولید ، اعمال وحشت ، ترک محل کار و کناره‌گذاردن کارفرما صورت گیرد و این اقدامات ممکن است فردی یا بصورت جمعی صورت گیرد . حتی خوداعتصاب دارای اشکال گوناگونی است . "

در حال حاضر رسانه های گروهی از فقدان انضباط کارگری ، ترک محل کار ، عدم اطاعت از کارفرما شکایت می کنند و برای ازمیان برداشتن این نابسامانیها مقررات قانونی بازدارنده تازه ای علیه کارگران وضع شده است .
و این وسایل ارتباط جمعی اذعان دارند که :

" ما باید با تاثر اظهار داریم که روحیه سخت کوشی و افزایش تولید در سالهای اخیر در کشور ما کاهش گرفته است و یکی از مهمترین عواملی که موجب این شرایط شده است همان تبلیغات کثیف و مخفیانه ای است که دشمنان ایران اعمال میدارند . "

ما این اعتراف را بدو صورت می توانیم توجیه کنیم :

اگر آنچه را که سخنگوی رژیم می گوید صحت داشته باشد ، ثابت می کند که ساواک و سازمان سیا برغم همه توانایی هایشان در مقابل دشمنان خرابکار (منظور کسانسی است که برای حقوق کارگران تبلیغات می کنند) شکست خورده اند و آشکار می سازد

که این عناصر داخل صفوف کارگران نفوذ کرده و جنبش های کارگری را دامن میزنند .
ما از رژیم این سؤال را داریم :

اگر کارگران راضی و خشنود هستند و از نیستی به هستی رسیده اند چگونه این دشمنان
بی ارزش خرابکارناشناخته میتوانند این وضع را در گونه سازند ؟
بنابراین ناگزیر از این استنتاج هستیم که ما باید بپذیریم که این دشمنان خرابکار
ناشناخته بی ارزش ، افرادی قدرتمند ، آگاه و پرتوان هستند یا آن که کارگران
موجوداتی " احمق " بوده و گوسفند وار رفتار می کنند . همه این نا آرامیها اعم از
اعتصابات و یا سایر اعتراضات ، پاسخی است به شرایط و مناسبات زندگی و کار
کارگران و علیرغم همه روش های بازدارنده ای که شاه اعمال داشته ، نتوانسته
است مانع از نفوذ کارگران انقلابی و مجاهد به صفوف کارگران شود .

۴ - چرا اعتصابات گزارش نمیشوند ؟

چرا فهرست اعتصابات ما ناقص و ناکامل است ؟

شاه در مصاحبه های متعددی صریحا " تأیید کرده است که

الف - مادر زندانهایمان ، زندانی سیاسی داریم اما تعداد آنان $\frac{1}{25}$ رقمی است که
سازمان عفوبین المللی تخمین زده است یعنی حدود ۳ الی ۴ هزار نفر می باشند . (۱)

۱ - یکی از افراد مورد اعتماد شاه یعنی پرویز ثابتی ، معاون ساواک در سپتامبر ۱۹۷۶ اعلام
داشت که در ایران ۳۲۰۰ زندانی سیاسی وجود دارد .

ب - شکنجه اعمال میشود - البته هیچگاه طبیعت حیوانی شکنجه مورد تأیید مقامات نیست . اما همانطور که گفته شد ، شاه تأیید نکرده است که کارگران حتی برای یک دقیقه دست به اعتصاب می زنند . در نتیجه وسایل ارتباط جمعی که وظیفه اشان مغشوش کردن علل و تاثیرات اعتصابات در کشور است با سکوت در مورد اعتصابات به توطئه همیشگی خود علیه ملت ادامه می دهند . بنابراین کسانی که مطلب زیر را دربارهٔ اعتصاب فوریه ۱۹۷۷ کارگران ابزار سازی لیلان نوشتند از سویی نسبت به وجود اعتصابات در ایران سکوت کرده اند و از سویی دیگر رژیم شاه را عظیم و گرامی داشته اند :

" این حقیقتی است که هرگونه اعتصابی علیه منافع کارگران است و این حقیقت بقدری آشکار و روشن است که حتی یک کودک نیز قادر به درک آن می باشد ولی چرا کارگران لیلان این حقیقت را درک نمی کنند؟ "

" اعتصابیون افرادی هستند که بخاطر خودخواهی هایشان تحریک شده اند نه هیچ عامل دیگری "

" آنچه که اعتصابیون قادر به درک آن نیستند آن است که هر اعتصابی بمانند کوبیدن یک میخ بر تابوت خودشان است . هر زمان که مناظره ای بین کارگران و کارفرمایان ، خلی در تولیدات اتومبیل های لیلان و در می آورد ، مشتریان بسوی مصنوعات

دیگری گرایش پیدامی کنند و شاید هم هیچگاه بسوی مصنوعات

مابازنگردند . "

چرا شاه بویژه در مورد اعتصابها سکوت می کند ؟

برای آن که اگر او اقرار به وجود اعتصاب نماید ، آنگاه چگونه قلم بمزدانی چون

خانم لین ونویسنده کتاب " شاه " میتواند وجود رژیم شاه را توجیه کند ؟

شاه بخوبی آگاه است مهمترین و واقعی ترین خطر برای تخت طاووس وی از ناحیه

کارگران می باشد ، بهمین جهت است که به کمک نظریه پردازان و تئوریسین های

سازمان سیا برنامه های مختلفی را برای فریب دادن و در غفلت نگهداشتن کارگران ،

طرحریزی کرده است .

رژیم نیز بنوبه خود آگاه است که در صورت انتشار اخبار مربوط به جنگ کارگران علیه

نظام ظالمانه موجود چه نتایجی ببارمی آید . بهمین روی برای جلوگیری از انتشار

این اخبار به اقدامات زیر دست می زند :

۱ - اجازه نمیدهد که وسایل ارتباط جمعی اشاره ای به اعتصابات کارگری داشته

باشند (چنانچه ماه چندین اعتصاب ظرف یکسال اشاره کردیم اما در روزنامه

کیهان وسایر جراید نیمه رسمی کوچکترین اشاره ای به حتی یکی از آنها نشده بود)

۲ - کسانی که بکوشند اخبار اعتصابات را در کشور یا خارج از کشور گزارش کنند در پیش

روی ساواک را خواهند داشت که بصورتی خشن و غیر انسانی با آنان رفتار می کند .

۳ - خبرنگاران خارجی مقیم در ایران اجازه ندارند اخبار اعتصابات را گزارش

کنند یک نمونه آن که خبرنگار فاینانشال تایمز که مطالب متعددی درباره ایران گزارش کرده است در فاصله ۲۸ ژوئن ۱۹۷۵ تا ۲۱ ژوئیه ۱۹۷۶ حتی به یک نمونه از اعتصابات نیز اشاره نکرده است ولی ناگهان همین خبرنگار در تاریخ ۲۱ ژوئیه اعلام میدارد که اعتصابات در ایران گسترش و شدت گرفته است .

اثرات این روش بشرح زیر است :

الف - گروههای مختلف ایرانی یا خارجی که در ایران هستند و به نحوی با وسایل ارتباط جمعی غربی نزدیکی دارند در صورتیکه خبر اعتصاب را به این رسانه ها بدهند ، مسئولان رسانه ها از انتشار خبر خودداری می کنند زیرا از منبع موثقی ذکر شده است و مسئولان شخصا " نمی توانند خبر را تأیید کنند . حتی گاه سازمانهایی که در ایران در ارتباط با سازمانهای احقاق حقوق کارگران می باشند در همین دام سقوط کرده و از انتشار اخبار مربوط به اعتصابات خودداری می کنند مگر آن که اخبار از سوی افرادی باشد که دارای تفکر سیاسی مشابه آنهاست .

ب - اخبار اعتصابات و اعتراضات کارگران از سوی گروههای مختلف مخالف رژیم که در ایران فعالیت داشتند نشر نمی یافت و از طریق کارخانهها و کارگاههای ایران - اخباری واصل نمیشد .

حتی همه نیروهای مخالف رژیم ایران ، قادر نبودند اخبار کلیه کارگاهها و کارخانهها را بصورت یک شبکه خبری منتشر نمایند . و این بدان معنی است که هر یک از گروهها دارای اطلاعات محدودی درباره تعداد معدودی کارخانه و یا کارگاه بودند و از آنجا

که گروه‌ها دارای تفکرات سیاسی متفاوت و حتی متضادی بودند ، نسبت به اخبار یکدیگر با شک و تردید می‌نگریستند و در نهایت «اخبار تلاش‌های کارگران علیه رژیم بصورت کامل منتشر نمیشد . در بریتانیا حتی اگر طرز تفکر گروه‌های مخالف متفاوت باشد ، با این حال هریک از گروه‌ها ، اخبار کسب شده توسط گروه‌های دیگر را گزارش می‌کنند .

۵- چرا ضرورت علنی شدن بیشتر اعتصابات وجود دارد

عدم دسترسی به اخبار جنبش‌های کارگری ایران که نتیجه تلاش‌های رژیم فعلی در جلوگیری از انتشار اخباری که مخالف طبعش است ، مانع از آن شده که کارگران و نیروهای مبارز در جنبش‌های کارگری بریتانیا ، تصویری واضح و واقعی از ایران داشته باشند .

گاهگاهی یک روزنامه نگار غربی از سرهوس میکوشد تا تحقیقاتی دربارهٔ ایران بعمل آورد ، اما غالباً "موارد این تحقیقات محدود و ناکافی است و ضرورت آن وجود دارد که روزنامه نگاران آگاه به بررسی و خوض و غدر دربارهٔ رژیم شاه پرداخته و حقایق زندگی کارگران و مبارزات آنان را شناسایی کنند . برای درک این گفته که تا چه حد آشکار شدن و عمومیت یافتن اعتصابات کارگری که بالطبع با حمایت توده‌ها همراه میشود ، اهمیت دارد ، مایه‌بایست شرایطی را که تحت آن اعتصابات رخ میدهد بدقت شناسایی نمائیم .

حضور ساواک در هر کارخانه (بمنظور کنترل شرح حال کارگران قبل از استخدام آنان تا اطمینان حاصل کند که "عناصر نامطلوب" بدون کارخانه راه نیافته اند) برقراری هرگونه ارتباط مخفی با کارگران کارخانه ها را برای بوجود آوردن سازمانی که مورد تأثیر رژیم نیست بسیار دشوار میسازد. ساواک میکوشد تا هر حرکت مشکوک کارگران را تحت نظارت کامل خود قرار دهد. اما در این جامی بایست بازگه کنیم تفاوت بارزی بین آنچه که ساواک برای آن میکوشد با آنچه که در عمل کسب می کند وجود دارد. بدبختانه برخی از گروههای مخالف دچار فریب تبلیغاتی که ساواک دربارهٔ عظمت خود می کند، میشوند و باور میدارند که ساواک توانسته است هر جنبش مشکوک کارگری را تحت نظارت و کنترل خود بکشانند. بایک چنین طرز تفکری آنان دربارهٔ ساواک و نقش آن دچار خطا میشوند. این حقیقتی است که خشونت و حیوان صفتی و درنده خویی ساواک قابل توصیف نیست. اما آنچه که دربارهٔ آن نباید زیاده گویی کرد قدرت نفوذ ساواک در همه جنبه های زندگی است که همین زیاده گویی موجب شده است که گروههای مخالف و مبارز خود را در مقابل ساواک ناتوان احساس کنند. اعلام اعتصاب از سوی کارگران به مفهوم اعلان جنگ علیه اتحاد نیروهای کار فرمایان، دولت، پلیس، نیروهای مسلح، ساواک و حتی برخی از نمایندگان کارگران است و در مرحله اعتصاب نمی بایست نقش کارگران بیکار را که میتوانند سرعت جای اعتصابیون را بگیرند فراموش کرد. کار فرمایان منتظر هستند در صورت شروع اعتصاب از کارگرانی که به اعتصابیون نمی پیوندند

ویا کارگران بیکار سودجوید و در این زمینه دولت از هرگونه کمکی دریغ نمیورزد .
برای مثال وسیله نقلیه در اختیار کارفرمایان قرار میدهند تا کارگران بیکار را از سایر
شهرها به محل کارخانه وارد کنند . برخی گزارش ها حاکیست که هواپیمای
نظامی بکار گرفته شده تا کارگران پاکستانی را برای کمک به شکستن اعتصاب به
ایران وارد کنند . پای گرفتن هرگونه اعتصاب کاری در ایران در این تصور که
ساواک دارای نفوذ قدرت همه جاگیر است خلل وارد میسازد و شروع اعتصاب بدان
مفهوم است که کارگران برغم حضور عوامل ساواک توانسته اند به نوعی هماهنگی
کرده بایکدیگر تبادل اندیشه داشته ، تجربیات و شکایات خود را بایکدیگر در میان
گذارده به نتیجه ای دست یافته و آن اعلان جنگ بوده است . اعلان اعتصاب
بدان معناست که کارگران آموخته اند چگونه علیه پلیس مخفی به مبارزه برخاسته
و شبکه پیچیده ارتباط زیرزمینی بایکدیگر برقرار نمایند . اعلان جنگ علیه اتحاد
نامقدس نیروهایی که بر شمرده شدنشان گرد اعلائی سازمان دهی کارگران می باشد .
کارفرمایان برای فرونشاندن اعتصابات دست بدامن نمایندگان کارگران که
غالب این نمایندگان خود علیه کارگران اقدام می کنند می برند و سپس به وزارت کار
روی می آورند . آنان در آغاز اعتصاب با کارگران به مذاکرات دوستانه می نشینند .
چنانچه کارگران مقاومت نمایند ، تهدیدات لفظی آغاز میشود و سپس این تهدیدات
را به مرحله اجرامی گذارند و کارخانه به محاصره نیروهای مسلح پلیس و ارتش درمی
آید . این شیوه مواجهه رژیم با کارگران ، تبلیغات رژیم را مبنی بر این که حکومت

مدافع منافع و حقوق کارگران است درهم می پاشد. دو نیروی روبروی یکدیگر قرار می گیرند، یکی بامش های گره کرده و دیگری با مسلسل. یکی خواستار ابتدایی ترین حقوق خویش است و دیگری حاضر به هرگونه مذاکره نیست. فرمانده نیروهای مسلح یعنی شخص شاه از جنگی که آغاز شده اطلاع می یابد. مشورت هایی بمنظور خاتمه دادن هرچه سریع تر به این مشکل غیرقابل اقرار و اعتراف آغاز میشود. معمولاً "مشاورین متفقا" به این نتیجه میرسند که به بخشی از خواست های کارگران اعتصابی توجه شود و در کنار اجابت کردن این خواست ها، عده ای از کارگران را دستگیر یا تیرباران شوند. به این امید که کارگران تنبیه شده و مجدداً "به یک چنین اقدامی دست نزنند وقتی اعتصابی موفق است - برای نمونه اعتصاب کارگران معدن سنگرود - نیروهایی که متشکل از ساواک، ارتش، پلیس، کارفرمایان و باصطلاح نمایندگان کارگران می باشند ناگزیر به اعتراف از شکست در مقابل گروهی افراد بدون سلاح هستند و یک اعتصاب موفق تأثیری ویرانگر بر تبلیغاتی دارد که بطور روزانه در اندیشه کارگران تزریق میشود. از جمله این تبلیغات که ۹۹/۹ درصد از جمعیت ایران از بهترین شرایط برخوردار بوده و ۹۹/۹ درصد از مردم از رژیم حمایت می کنند.

همه این تبلیغات، رژیم را خلل ناپذیر معرفی کرده و ایران را چون بهشت توصیف مینماید و یادآور میشود که همه این پیشرفته ها و همه این دستاوردها تحقق یافتنی است زیرا که کشور تحت رهبری شخص شاه اداره میشود. رژیم تبلیغ می کند که ۹۹/۹ درصد از جمعیت ایران در رفاه کامل می باشند و از رژیم حمایت می کنند و اقلیت ناچیزی

که از رژیم حمایت نمی‌کنند یا افرادی هستند که تحت تاثیر ایدئولوژیهای وارداتی راه خطا پیموده و با پیشرفتهای ایران بیگانه می‌باشند و یا مزدوران و عمال سرخ و سیاه امپریالیست های خارجی بوده یا از عقده های درونی خویش در رنج هستند و بالاخره یا برتر از همان عمال ساواک هستند که سازمانهای مخالف را بوجود می‌آورند تا دریا بندچه کسانی علیه رژیم اقدام می‌کنند. بهر حال افرادی که با رژیم مخالفت می‌ورزند، خرابکار یا تروریست می‌باشند. از آنجاکه این اقلیت ناچیز نمی‌بایست خوشبختی و رفاه ۹۹/۹ درصد مردم را بخطر اندازند، لذا با آنان می‌بایست با نهایت خشونت رفتار شود و قدرت آنان برای ملت ایران خطرناک است.

یک اعتصاب موفق این عبارات تو خالی را در هم می‌شکند و پوششی را که رژیم برای مخفی داشتن خود بر سر کشیده است کنار می‌زند و آشکار می‌سازد که:

کارگران از شرایط خویش راضی نبوده و از سیاست های دولت خشنود نمی‌باشند و امیدوار نیستند که رژیم از طریق مذاکره و مسالمت آمیز حقوقشان را بد آنها بدهد. آنان وقتی حقوق حقه را از طریق اعتصاب بدست آوردند، دیگر ضرورتی نمی‌بینند شکر گزار کسی که حقوقشان را به آنان اعطا کرده باشند. برتر از همه کارگران با اعتصابشان افسانه شکست ناپذیری ساواک را که رژیم می‌کوشد قدرت و توانایی آنرا در حد مطلق نشان داده و یادآور می‌شود که ساواک قادر است هر مخالفتی را در نطفه خفه کند، فراموش می‌زند.

یک اعتصاب موفق قدرت بالقوه و دست نخورده کارگران را آشکار می‌سازد. اعتصاب

کارگران نشان می‌دهد که وقتی کارگران مصمم باشند ، متحد شده و هم پیمان شوند می‌توانند یکی از درنده خوترین رژیم‌ها را برانودر آورده و رژیم را برخلاف میلش مجبوره قبول و اجابت خواسته‌هایشان سازد . تاثیریک اعتصاب موفق بر کارخانه‌ها بسیار عظیم و پراهمیت می‌باشد .

تقریباً " هر کارگری هویت خویش را از طریق اعتصاب بازشناسی می‌کند . زیرا اعتصابیون در شمار کارگران متوسط هستند و وقتی دست به اعتصاب می‌زنند خود را در جایگاه قهرمانان احساس کرده اعمال قهرمانان را انجام می‌دهند . اعتصاب ، اشغال کارگاه و سایر اقدامات مشابه این شناخت را هر چه بیشتر در کارگران برمی‌انگیزاند که در اقدام برای رهایی ، می‌بایست متکی به خویش باشند و امید نداشته باشند که رژیم حقوق آنان را به آنها بدهد و برتر از همه نمی‌بایست به انسان دوستانی که مدعی هستند می‌خواهند در جهت منافع کارگران اقداماتی بعمل آورند ، تکیه کرده ، دل بندند . دست بردن به اسلحه اعتصاب به کارگران می‌آموزد مشروط بر آن که سازمان یافته و بصورت متحد عمل نمایند و استراتژی صحیحی در پیش گیرند تیاری ندارند که منتظر خیرات و مبرات نیکوسیرتان و خیرخواهان باشند . حتی آن اعتصاب‌ها که با موفقیت خاتمه نمی‌یابد به کارگران می‌آموزد که چگونه روش‌های سازمان دهی خود را بهبود بخشیده و چگونه برای نبرد بعدی با قدرت بیشتری آماده شوند . تحت شرایط نامطلوب و دشوار فعلی که انتشار اخبار اعتصابات و اعتراضات کارگران ایران با مشکلات عدیده ای مواجه است - بویژه که انتشار این اخبار از

اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد - همگان شاهد هستیم که گروههای ایرانی مخالف رژیم همه وقت و فعالیت خود را صرف زندانیان سیاسی می کنند . این نکته قابل توجه است که هرگونه اقدامی که از سوی ملت ایران علیه رژیم صورت می گیرد می بایست با بلندگوهای هرچه قوی تر بگوش جهانیان برسد . گروههای مخالف می بایست در برنامه ها و سازمان دهی خود تجدید نظر کرده و صرفاً " همه توجه خود را معطوف به زندانیان سیاسی نکنند .

همواره گفته میشود که آشکار ساختن شرایط و مبارزات کارگران امری ضروری است ولی در عمل اقدام مهمی در جهت علنی ساختن این مبارزات صورت نمی گیرد ، چرا؟ کسانی که عملاً " در ارتباط با موضوع دفاع از زندانیان سیاسی می باشند ، فراموش می کنند که از این زندانیان به طریق موثرتری میتوان دفاع کرد مشروط بر آن که به موارد زیر توجه نمایند :

۱ - شرایط زندگی و کار میلیونها افراد یک جامعه که زندانیان سیاسی از میان آنان می باشند می بایست بطریقی سیستماتیک و منظم مورد بررسی قرار گیرد .

۲ - در خارج از ایران حمایت اخلاقی موثر از زندانیان سیاسی صرفاً " از سوی جنبش های کارگری خواهد بود .

۳ - به آن دسته از افراد ارتجاعی که از شاه بدین خاطر حمایت می کنند که می پندارند تنها فردی است که قادر است با اعمال قدرت ایران را دگرگون سازد ، نشان داد که پنداران صحیح نیست و از طریق استدلال می بایست اندیشه های آنان را دگرگون

ساخت حتی اگر پذیرفتن این عقاید برای آنان دشوار باشد .

۴ - زندانی سیاسی بودن به اعتباری یک شکست است زیرا زندانی یک فرد سیاسی دستگیر شده است اما به مفهومی وسیع تریک پیروزی است زیرا وجود این زندانیان در زندان گواهی بر مبارزات عده کثیری از ایرانیان علیه رژیم حاکم می باشد . اما برغم اهمیتی که زندانیان سیاسی دارا می باشند می بایست تعادلی بین توجهی که به زندانیان سیاسی میشود و میلیونها کارگری که علیه رژیم پرازخسونت شاه که با اصطلاح پدرانه خوانده میشود و نظام ناعادلانه دستمزدها ، کمبود مسکن ، نبودن بهداشت (متوسط عمر کارگران ۴۵ سال تعیین شده است اما تجربه ثابت کرده که کمتر است) مبارزه می کنند ، برقرار شود .

کافی نیست که خواستار آزادی زندانیان سیاسی شویم بی آن که بررسی کنیم چه کسانی میتوانند آنان را آزاد سازند بی آن که بررسی کنیم چگونه میتوان احساس حمایت از زندانیان سیاسی را در توده ها برانگیخت .

آنچه که ما خواستار آن هستیم حمایت بیشتر از مبارزات کارگران و دفاع هر چه بیشتر از کارگران زندانی سیاسی تا زندانیان روشن فکر سیاسی است . آنانکه مخالف این پیشنهاد هستند و آنرا فاقد اعتبار می دانند می بایست دلایل مخالفت خود را ابراز دارند و آنانکه موافق این نظریه می باشند ، نیز می بایست وارد عمل شده و این پیشنهاد را بکار گیرند .

نقش سازمانهای بین المللی در نشر اخبار مربوط به فعالیتهای سیاسی کارگران

الف - سازمان عفوبین الملل

تا ۱۴ می ۱۹۷۶ سازمان عفوبین الملل ، کارگران ایرانی را که بخاطر اعتراضاتشان علیه رژیم زندانی شده بودند ، زندانی وجدان یازندانی سیاسی بشمار نمی آورد و همه زندانیان سیاسی ایرانی را از شمار دانشجویان و روشنفکران میدانست. بخاطر سانسور و اختناق شدیدی که حکومت شاه اعمال میدارد ، کسب اطلاعات درباره زندانیان سیاسی در ایران بسیار دشوار است . اطلاعاتی که به خارج نشت کرده از طریق دانشجویان و افراد متخصص بوده و آنان نیز همین اطلاعات را یا خود در زندانها بهنگام دستگیری بدست آورده اند و یا از دوستان و همکاران زندانی خود کسب کرده اند و از آنجاکه کارگران زندانی سیاسی که احتمالاً " تعدادی از آنان بیسواد هستند در کنار استادان دانشگاهها در یک سلول نگهداری نمیشود ، اخبار راجع به کارگران زندانی به خارج درز نمی کند .

تأیید از نوامبر ۱۹۷۶ سازمان عفوبین الملل هیچگونه بیانیه ای مبنی بر زندانی بودن افرادی از اتحادیه های کارگری صادر نکرده بود . بیانیه های مطبوعاتی ، گزارش های سالانه ، سالنامه محاکمات زندانیان سیاسی در سال ۱۹۷۲ و گزارش بین المللی ۱۹۷۳ سازمان عفوبین الملل درباره شکنجه و گزارش های مشابه همه صرفاً " بر روی موارد شدید نقض حقوق بشر در ایران و اعمال شکنجه بر گروههای

روشنفکران نظر داشت و توجهی به نقض حقوق بشر بر روی کارگران و زندانیان سیاسی کارگرنشده بود. در نوامبر ۱۹۷۶ سازمان عفو بین الملل گزارشی تهیه کرد و طی آن اشاره کوتاهی به مبارزات اتحادیه های کارگری و کارگران علیه استبداد در ایران نمود. با بررسی هایی که بعمل آمده نشان داده شده است که نمایندگان اتحادیه های کارگری و کارگران در صد قابل توجهی از زندانیان سیاسی را در کشور تشکیل میدهند.

ما امیدواریم بیانیه زیر که سازمان عفو بین الملل اجازه چاپ آن را بامداد داده است و اولین بیانیه از نوع خود می باشد، آخرین آنها نباشد و در باره اتحادیه های کارگری و کارگران که برای دست یافتن به دموکراسی و آزادی اتحادیه های کارگری بیشترین تلاش ها را اعمال داشته و بیشترین فشارها را تحمل می کنند، بیانیه های متعددی منتشر گردد.

" علاوه بر شکنجه در ایران که تاکنون توجه زیادی به آن نشده است در زمینه های مختلف زندگی در ایران حقوق بشر بشدت نقض و نادیده انگاشته میشود. آزادی بیان و اجتماعات موجودیت خارجی ندارد. در سالهای اخیر از زمانی که شاه اعلام داشت که روزنامه هایی با تیراژ کمتر از ۳۰۰۰ و هفته نامه هایی با تیراژ کمتر از ۵۰۰۰ اجازه انتشار ندارند در روزنامه ها بشدت تحت سانسور قرار داشته و مقالات آنها مثله میشود.

اتحادیه های کارگری غیرقانونی بوده و هرگونه اعتراض از سوی کارگران بشدت سرکوب میشود . هرگونه فعالیت سیاسی می بایست در محدوده حزب رستاخیز صورت گیرد . بعضی از ایرانیان برای گرفتن گذرنامه با مشکل مواجه شده و یا رژیم از دادن گذرنامه به آنان خودداری کرده است . هرگونه فعالیتی که از سوی گروههای سیاسی یا اعضای خانواده های زندانیان سیاسی برای آزاد ساختن آنان صورت گیرد ، بشدت سرکوب میشود . آزادی دانشگاهها بشدت محدود شده و دانشجویان و استادان تحت نظارت ساواک قرار گرفته اند . "

آقای سیمپسون مدیر بخش انگلیسی سازمان عفو بین الملل می گوید :

" دولت ما مقادیر حجمی سلاحها و تجهیزات نظامی برای ایران تهیه می کند . دولت انگلیس برای بدست آوردن بازار وسیع تر در ایران با سایر کشورها بر رقابت برخاسته است . دانشمندان انگلیسی ، شخصیت های دانشگاهی و علمی ما برای کار راهی ایران میشوند . ما هر چند که به ایران سلاح می فروشیم و با آن کشور رابطه تجاری برگزار کرده ایم و متخصصین ما برای بدست آوردن شغل بهتر به ایران میروند ولی باید بدانیم که ایرانیان تحت چه شرایط

وحشت آوروپره‌راسی زندگی میکنند . هرکس که با ایرانیان در داخل کشورشان گفتگو داشته باشد درخواهد یافت که آنان تا چه حد از سخن گفتن دربارهٔ شکنجه و زندانی شدن هم میهنان خویش وحشت دارند ، زیرا که می‌ترسند عوامل ساواک آنان را زیر نظر داشته باشد . بریتانیا به عنوان یک متحد بزرگ رژیم ایران می‌بایست از این رژیم بخواهد که به اختناق خود در ایران پایان بخشد . "

باید توجه داشت که در همین متن که شدیداً " رژیم شاه مورد حمله قرار گرفته ، ساواک به عنوان یک قدرت مطلق معرفی شده است . هرگونه بی‌میلی از سوی ایرانیان برای بازگو کردن اعتقادات سیاسی خود و یا بحث دربارهٔ نظریات سیاسی به نادرست نتیجه وحشت از ساواک تفسیر شده است . این تفسیر غلط در سطح گسترده ای توسط روزنامه نویسان غربی و برخی ایرانیان نیمه آگاه شایع شده است . یکی از علل این درک غلط ، ناتوانی آنان از شناخت فعالیتها^ی گروههای زیرزمینی است . باید بخاطر داشت که بسیاری از ایرانیان از گفتن نام واقعی خود ، خودداری می‌کنند . زیرا آنان مقررات فعالیت‌های زیرزمینی را مورد توجه قرار میدهند .

ب - کنگره اتحادیه های کارگری

تا اواخر می ۱۹۷۶ ، کنگره اتحادیه های کارگری در قبال شرایط هولناک کارگران ایرانی و فقدان استقلال و عدم وجود امکانات برای تشکیل اتحادیه های کارگری در ایران یاسکوت کرده بود و یا اصولاً " هیچ آگاهی نسبت به شرایط آنان نداشت . دلیل این مدعی نامه ای است که از سوی کنگره اتحادیه های کارگری در تاریخ ۵ مه ۱۹۷۶ نوشته شده بود و متن آن بقرار زیر است :

" کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های تجاری آزاد فعالیت های کارگری و اتحادیه های کارگری ایران را از نزدیک بررسی میکنند ، اما ما نمیدانیم آیا اصولاً این اتحادیه ها بیانیه ای صادر کرده اند یا خیر . "

پس از تلاش های متعددی که مبارزین ایرانی برای نشر اخبار مربوط به فعالیت های کارگران از طریق چاپ اعلامیه ، سخنرانی ، تماس های شخصی با اتحادیه ها صورت گرفت ، تنها جنبش کارگری بریتانیا این تلاش ها را در حد محدودی مورد مطالعه قرار داد و حاضر به انتشار اخبار فعالیت های کارگران مبارز ضد رژیم شد . در پی پاسخ مثبت از سوی جنبش های کارگری بریتانیا ، شعبه های اتحادیه های کارگری ، شوراهای کارگری و نمایندگان اتحادیه های کارگری ، به صورتهای مختلف به ندای جنبش های کارگری ایران پاسخ گفته و از طریق اعمال فشار به

نمایندگان اجرایی کشورشان خواستار حمایت از کارگران ایرانی شده و با انتشار اخبار راجع به شرایط کار در ایران را خواستار شدند .
نامه زیر از سوی کنگره اتحادیه های کارگری نشانه پیروزی کارگران ایرانی هرچند در سطحی محدود است

" ما تحقیقاتمان را درباره شرایط اتحادیه های کارگری در ایران پی گیری می کنیم اما شورای عمومی هنوز تاریخی جهت صدور بیانیه ای در مورد بررسی های خود تعیین نکرده است . از اطلاعات کسب شده دریافته ایم که کارگران ایرانی و سازمانهای کارگری در ایران قویا " باتنها حزب حاکم (رستاخیز) بیگانه بوده و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آزاد دریافته است که در ایران هیچگونه آزادی برای اتحادیه های کارگری وجود ندارد . "

البته صدور این نامه مرحله آغازین و نوینی برای جنبش های کارگری بود و برای کنگره اتحادیه های کارگری نقطه آغازی تا دریابد که مشکلاتی برای کارگران ایرانی وجود دارد و موظف است که اقداماتی برای آنان انجام دهد . اما این پیروزی بسیار بسیار کوچکی است زیرا کارهای بسیاری است که می بایست انجام گیرد .

نمونه ای از روابط صنعتی در ایران

سیاستی که دولت ایران در مورد کارکنان و نیروی انسانی خود دنبال می کند ، در بریتانیا نیز اثر گذاشته و نمونه ای از آن را در مباحثاتی که بین *ASTHS* و هواپیمایی

ملی ایران می باشند ، کوشیده اند تا در چارچوب مقررات وقوانین کارگری در ایران نبوده بلکه عضویت اتحادیه های کارگری بریتانیا را داشته باشند .
بیانیه زیر که در ژانویه ۱۹۷۷ توسط *ASTMS* خطاب به مسافرین هواپیمایی ملی منتشر شد ، خودگویای این حقیقت است :

" تسهیلاتی که هواپیمایی ملی ایران در اختیار شما مسافرین قرار میدهد از طریق کارصمیمانه کارکنان این واحد ممکن شده است ."
" ادامه این خدمات و تسهیلات تنها زمانی ممکن است که کارکنان هواپیمایی ملی ایران از همان آزادی که اکثریت کارکنان هواپیمایی های کشورهای مختلف برخوردار می باشند ، بهره مند شوند ، بدین معنی که کارکنان انگلیسی هواپیمایی ملی ایران در حفاظ اتحادیه های کارگری بریتانیا قرار داشته باشند ."
" در انگلیس همه احزاب بزرگ سیاسی از کارگران و زحمتکشان قویا " میخواهند که به یکی از اتحادیه های کارگری پیوسته و بطریق فعالی در امور آن اتحادیه ها مشارکت کنند ."
" هواپیمایی ملی ایران موکدا " از برسمیت شناختن ما به عنوان یک اتحادیه سرباز زده و اعلام میدارد در صورتیکه ما به عضویت یکی از اتحادیه های کارگری در آئیم موقعیت شغلی ما در معرض

خطر قرار خواهد گرفت .

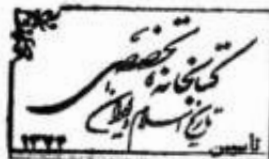
" این شیوه رفتاری نشانه سیاست عمومی رژیم نسبت به کارگران و زحمتکشان ایرانی است که حقوق آنان بطور مداوم نقض میشود . "

" ما متأسفیم که نمیتوانیم همانند گذشته خدمات شایسته ای بشما عرضه داریم و اگر شمارا در ناراحتی قرار میدهیم ناخشنود هستیم و از شامی خواهیم که از هواپیمایی ملی ایران مصر " درخواست نمائید اتحادیه مارا برسمیت بشناسد چه در غیر این صورت ناگزیر از ترک شما برای همیشه می باشیم . "

این دلیل دیگری است بر آنچه که مادر باره رژیم ضد مردمی و ضد کارگری بیان داشته ایم و این اخطاری است به آن دسته از اتحادیه های کارگری بریتانیا که تصمیم دارند با موسسات ایرانی چه در داخل ایران و چه در خارج از ایران همکاری نموده به نوعی رابطه برقرار کنند ، زیرا شیوه رفتاری هواپیمایی ملی ایران انعکاس روشنی از سیاست رژیم ایران است . اما باید اضافه کنیم زآنجا که هواپیمایی ملی ایران بر اثر این مشاجرات بدنام شده است احتمالاً " با خواسته های ما موافقت خواهد کرد .

پ - دیدار از ایران

بالاخره به مسئله پیشنهاد سفارت برای دیدار از ایران میرسیم . شرط اولیه هر



پژوهشی دربارهٔ ایران ، آن است که پژوهشگر بتواند آزادانه درهمزمینه‌هایی که مایل است - شرایط کار و زندگی ایرانیان و طبیعت و شیوه مواجهه دولت با اتحادیه های کارگری و این که کارگران فرصت داشته باشند بدون هرگونه وحشتی آزادانه خواست هایشان و نیشکایات و ناراحتی هایشان را بیان دارند - دست به بررسی بزنند . آشکار است که تحت شرایط فعلی و وقتی سفارت حاضر است از نمایندگان از اتحادیه های کارگری انگلستان دعوت بعمل آورده هزینه سفر آنان را بدهد ، به میهمانان خود اجازه نخواهد داد که از واقعیت های زندگی برادران و خواهران کارگر خود در ایران دیدن کنند . ما همچنین مایل هستیم با تصورات نادرستی که عده ای از بازدید کنندگان خارجی از ایران کسب کرده اند بلحاظ آن که مامورین ایرانی آنان را گوسفند وار به این سو و آن سو کشانده و آنان را به نمایشگاهها برده اند ، مقابله کنیم . این افراد فراموش کرده اند که بشدت تحت مراقبت بوده و از ایران آنچه که نمی بایست بزعم عوامل رژیم ببینند محروم شده اند . اگر آنان بهنگام دیدار از کارخانه ای با کارگران گفتگویی داشته اند ، حتماً نمی دانسته اند که کارفرمایان ، مدیران و عوامل ساواک که در کنار کارگران ایستاده بوده اند ، مراقب گفتار کارگران بوده و اگر کارگران سخنی اظهار میداشتند که مخالف طبع رژیم باشد یا شغلشان را از دست میدهند و یا حتی ممکن است به زندان افتاده و به شکنجه گرفتار آیند . بنابراین چنین دیدارکننده ای چه اطلاعاتی میتواند از کارگران بدست آورد ؟ برای شناخت زندگی واقعی کارگران می بایست پوشش های ظاهر فریب را کنار

زد و در سطح وسیعی بطور عمقی به بررسی شرایط اقتصادی و سیاسی ایران و جنبش های طبقه کارگر پرداخت .

آیا دیدارکنندگانی که بدون تعمق در شرایط ایران به دیدار از ایران می پردازند و سپس یافته های بی ارزش خود را منتشر می کنند جز این که بریکی از اختناق آورترین رژیم ها صحنه گذارند ، اقدام دیگری بعمل آورده اند ؟

البته همه کسانی که از ایران دیدار می کنند آنقدر خام و ناآگاه نیستند ، چنانچه " مدیر میدلند " اظهار داشته بود در دیدار از ایران همواره توسط پلیس مخفی اسکورت شده است و بهمین جهت از پذیرفتن شغلی در تهران با دستمزد هفتگی ۱۰۰۰ پوند (۱۴۰۰۰ تومان) امتناع جسته است .

رژیم ظالم ایران برای آن که توسط اتحادیه های کارگری به رسمیت شناخته شود همه ماهه میلیونها دلار خرج میکند تا از طریق تطمیع روشنفکران و نمایندگان اتحادیه های کارگری طبیعت زشت خود را در زیر پوششی از رنگ و روغن بپوشاند . نامه زیر که توسط شورای اتحادیه های کارگری هاکنی انگلیس در پاسخ دعوت سفارت ایران در فوریه ۱۹۷۷ نوشته شده پاسخ مناسبی به رژیم ایران است :

" کمیته اجرایی از پذیرفتن دعوت سفارت ایران برای دیدار

از کشور متبوع خویش تا آن زمان که از آزادی مطلق برای

گفتگو و دیدار از مناطقی که صلاح میدانند ، برخوردار نباشد ،

معذور است . چراکه این دعوت مشابه همان دعوتی است که

استاد

- ۷۰ -

هیتلر برای دیدار از زایش سوم بعمل می آورد . "

پایان

